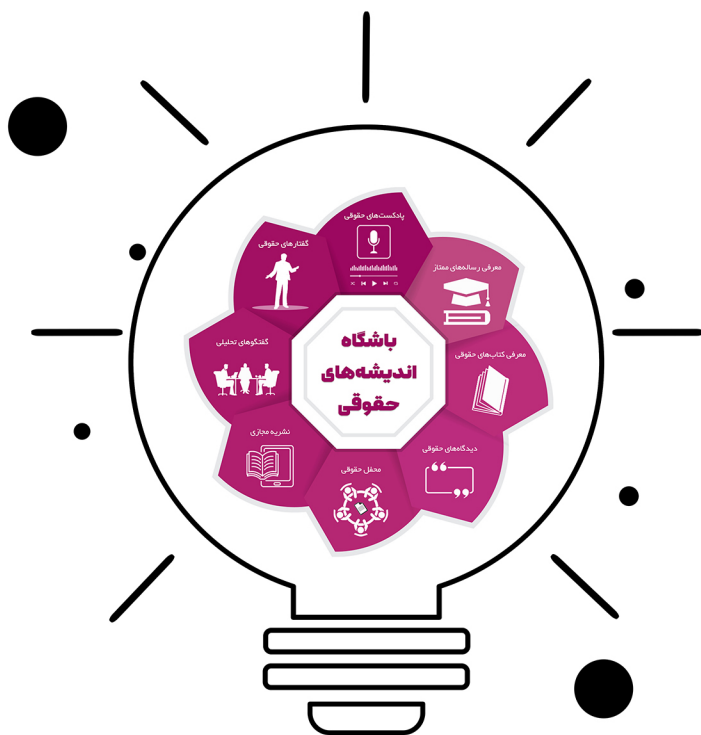


شماره ۱

نشریه اندیشه‌های حقوقی



پژوهشکده حقوق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نشریه اندیشه‌های حقوقی

- سال اول - شماره اول
- فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳
- ترتیب انتشار: دوماهنامه
- زمینه فعالیت: علوم انسانی (حقوق)
- صاحب امتیاز: پژوهشکده حقوقی شهر دانش
- مدیر مسئول: دکتر وحید اشتیاق
- ویراستار: لیلا بلالی
- صفحه‌آرا: زهرا کریمی

همکاران

- دکتر ایمان شاه بیگی
- آقای فردین قشقایی
- دکتر مهدیه وجدانی فخر
- دکتر شیما عطار
- دکتر فرهاد باباخانی
- دکتر هادی رحمانی
- خانم نعیمه درویشی
- دکتر سحر کریم نیا
- خانم فاطمه طباطبایی نیک
- دکتر نبی اله غلامی
- خانم لیلا بلالی

نشانی دفتر مجله: تهران، خیابان سنایی، خیابان نهم، کوچه گیلان، بلاک ۵، کد پستی ۱۵۸۵۷۴۳۱۱۱

تلفن: ۴-۸۸۱۱۵۸۱ (۰۲۱) - شماره: ۸۸۱۱۵۸۰ (۰۲۱)



پژوهشکده حقوق

فهرست مطالب

سخن سردبیر

ترجمان حقوقی

- ساختن یک جامعه قانون مدار

نویسنده: تام تیلر / مترجم: دکتر فرهاد باباخانی قاضی جهانی

- آیا مجازات اعدام جان افراد را نجات می دهد؟ بررسی یافته‌های تجربی از

سال ۱۹۷۷ تا ۲۰۰۶

نویسندگان: تومیسلاو کوانزیچ - لین وی یرایتیس - دنیز پاکت بوتس / مترجم: دکتر ایمان

شاه بیگی

- عدالت رویه‌ای، مشروعیت و حاکمیت کارآمد قانون

نویسنده: تام تیلر / مترجم: دکتر فرهاد باباخانی قاضی جهانی

- قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین المللی و نقش واقعی اصول یونیدروا

نویسنده: مایکل یواخیم بونل / مترجم: نعیمه درویشی

پویش‌های حقوقی

- دبی اولین قانون رمزارز خود را جهت تنظیم دارایی‌های مجازی منتشر کرد.

مترجم: دکتر سحر کریم‌نیا

- قانون جدید مخابرات و فناوری اطلاعات عربستان سعودی

مترجم: دکتر شیما عطار

- اعمال مقررات جزایی و تنظیمی علیه شرکت‌ها در سنگاپور

مترجم: دکتر نبی‌اله غلامی

- قانون شارژ خودروهای الکتریکی در بریتانیا

مترجم: دکتر مهدیه وجدانی فخر

- قواعد جدید مرکز داورى بين المللى دبی در سال ۲۰۲۲

مترجم: دکتر هادی رحمانی

- دادگاه تجدیدنظر فدرال آمریکا: هوش مصنوعی را نمی‌توان مخترع نامید

مترجم: دکتر شیما عطار

نشست‌های حقوقی

- گزارش نشست با موضوع بررسی مأموریت‌های غیرقضائی قوه قضائیه با

نگاهی به مصوبه اخیر مجلس در خصوص انتزاع سازمان ثبت از قوه قضائیه با

همکاری پژوهشکده و کانون سردفتران

تهیه‌کننده گزارش: آقای فردین شقاقی

- گزارش نشست بررسی تطبیقی سیر تقنینی مشارکت عمومی و خصوصی

P.P.P

تهیه‌کننده گزارش: خانم فاطمه طباطبایی نیک

روزنامه رسمی

تهیه‌کننده: خانم نعیمه درویشی

تازه‌های باشگاه

- گفتگوهای تحلیلی

- گفتارهای حقوقی

- معرفی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های حقوقی

- یادکست‌های حقوقی

- معرفی کتاب‌های حقوقی

سخن سردبیر

پژوهشکده حقوقی شهردانش از دی‌ماه ۱۴۰۲ اقدام به شروع فعالیت جدیدی تحت عنوان باشگاه اندیشه‌های حقوقی کرد. باشگاه بخش‌های مختلفی دارد که در همین مجلد به معرفی آن‌ها پرداخته‌ایم، یکی از بخش‌هایی که با توکل بر خدا و همراهی جامعه حقوقی ایران قرار است به صورت مستمر انتشار آن را پی بگیریم، نشریه اندیشه‌های حقوقی است.

نشریه اندیشه‌های حقوقی دو ماهنامه‌ای است که در آن سعی می‌شود بخش‌هایی را که معمولاً جایگاهی در نشریات علمی و پژوهشی ندارند پوشش دهد: انتشار جدیدترین قوانین و مقررات مصوب نهادهای تقنینی و اجرایی، ارائه گزارشی از مهمترین نشست‌های علمی برگزار شده در دانشگاه‌ها و مراکز علمی مختلف سراسر کشور، نقد و ارزیابی لوایح و طرح‌های قانونی که هنوز تبدیل به قانون نشده‌اند توسط اساتید دانشگاهی، انتشار ترجمه خلاصه‌ای از مقالات بدیع و کاربردی انگلیسی جهت آشنایی و ارائه ایده برای پژوهش‌های بومی، انتشار گزیده‌ای از مهمترین اخبار و رویدادهای حقوقی جهان، معرفی جدیدترین کتاب‌های حقوقی انتشار یافته و ...

از آنجایی که هدف اصلی از تأسیس باشگاه اندیشه‌های حقوقی تأسیس خانه‌ای برای همه آن‌هایی است که مایلند نقشی در توسعه اندیشه و نظم حقوقی ایران داشته باشند، و اساساً باور داریم همه جامعه حقوقی ایران همکاران بالقوه ما در پیشبرد اهداف باشگاه هستند، از این روی از همه انجمن‌های دانشجویی، انجمن‌های علمی، پژوهشکده‌های حقوقی و پژوهشگران رشته حقوق در سرتاسر ایران دعوت می‌شود در صورت تمایل به انتشار گزیده‌ای از نشست‌های برگزار شده در دانشگاه‌ها و موسسات علمی مختلف و یا همکاری در هر بخش دیگر نشریه اندیشه‌های حقوقی از طریق ایمیل دبیرخانه باشگاه با ما در ارتباط باشند.

همزمانی انتشار نخستین شماره این نشریه با نوروز باستانی را به فال نیک می‌گیریم و از همین فرصت استفاده می‌کنیم و عید نوروز را به همه جامعه حقوقی ایران

و سایر مخاطبین این مجلد تبریک عرض می‌کنیم. از باری تعالی خواستاریم که در سال جدید توان و فرصتی عطا فرماید تا بتوانیم ایده‌های مختلفی که برای باشگاه اندیشه‌های حقوقی داریم را برای برداشتن قدمی کوچک در توسعه اندیشه حقوقی ایران به نحو شایسته پیش ببریم. از حضرت حق آرزومندیم که ملت ایران همیشه شادکام و سلامت و سرفراز باشند.

دکتروحید اشتیاق

ترجمان حقوقی

ساختن یک جامعه قانونمدار

نویسنده: تام تایلر

مترجم: دکتر فرهاد باباخانی قاضی جهانی



قبل از ورود به بحث اصلی لازم می‌دانم تعریف مدنظر تایلر از قانون‌مداری را ارائه کنم.

از نظر تایلر **جامعه قانون‌مدار**، جامعه‌ای است که اکثریت مردم در اکثر مواقع به بیشتر قوانین عمل می‌کنند. چراکه معتقدند این کار درست‌ترین کار ممکن است. همان‌گونه که از این تعریف برمی‌آید وی نقد شدیدی نسبت به رویکرد تنبیهی جهت برقراری حاکمیت قانون در جامعه داشته و این مسیر را مسیر پایداری برای برقراری حاکمیت قانون نمی‌داند به چند دلیل:

- اول: این مسیر هزینه انسانی و مالی بسیار زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند.

- دوم: اتکای صرف به این مسیر می‌تواند منجر به کاهش مشروعیت دولت به واسطه نظارت شدید بر جامعه شود.

- سوم: مطابق تحقیقات به عمل آمده این مسیر در عمل به تنهایی کمک زیادی به برقراری حاکمیت قانون نمی‌کند. به عنوان مثال مطالعه رابرت مک کان نشان می‌دهد که ریسک دستگیری و مجازات فقط ۵ درصد از تغییرات سوءمصرف مواد مخدر (متغیر وابسته) را تبیین می‌کند؛ به عبارت دیگر احتمال دستگیری و مجازات قانونی فقط در ۵ درصد از موارد می‌تواند مانع از مصرف مواد مخدر توسط افراد باشد.

تایلر معتقد است قانون‌گرایی پایدار در یک جامعه صرفاً زمانی اتفاق می‌افتد که اطاعت از قانون دارای انگیزه‌ای درونی در افراد باشد و افراد دروناً رعایت از قانون را تکلیف خود بدانند. تایلر تحقق این شکل از حاکمیت قانون را منوط به سه شرط می‌داند. تطابق قوانین و رفتار شهروندان با اصول و هنجارهای اخلاقی، مشروعیت نظام سیاسی و اجتماعی شدن صحیح شهروندان.

اطاعت از قانون نه به دلیل ترس از مجازات بلکه به دلیل میل به درست رفتار کردن و اخلاقی بودن اتفاق بیفتد. اعضای جامعه در این جامعه معتقدند که تخطی از قانون، تخطی از اخلاق نیز محسوب می‌شود. البته خود قوانین نیز باید مطابق با

ارزش‌های اخلاقی مورد قبول شهروندان باشد. در این شرایط اطاعت از قوانین به آن‌ها احساس ارزشمند بودن می‌دهد و تخطی از آن‌ها به آن‌ها احساس گناهکار بودن می‌دهد.

مقامات دولتی مقبول جامعه بوده و شهروندان از دستورات آنها در قالب قانون باید اطاعت کرد. چراکه مقامات مسئول شایسته اطاعت کردن هستند.

اجتماعی شدن انسان‌ها در رابطه با قانون به درستی انجام شود. چراکه بسیاری از هنجارها و ارزش‌ها در دوران کودکی در افراد درونی می‌شود. هر چند پس از بزرگسالی تجربیات اجتماعی می‌تواند تا حدودی به تغییر آن‌ها منجر شود، اما این اجتماعی شدن در دوران کودکی به قانونمند شدن آن‌ها در دوران بزرگسالی بسیار کمک می‌کند. ضمن اینکه تایلر اصلاً معتقد به این قضیه نیست که صرف اجتماعی شدن کودکان برای قانون‌گرایی کافی است. وی معتقد است در کنار تطابق قانون با اخلاق و مشروعیت و مقبول بودن مقامات قضایی و حقوقی این فاکتور نیز می‌تواند خود تا حدودی به قانون‌گرا شدن شهروندان منجر شود؛ اما اینکه در فقدان دو شرط دیگر صرفاً اجتماعی کردن بتواند جور دو فاکتور دیگر را نیز تقبل کند، اصلاً مورد قبول وی نیست.

در ادامه در مورد دو اصل اول دو نکته بسیار مهم را توضیح می‌دهد.

۱. هر چند تایلر مشروعیت نظام سیاسی و اخلاقمندی را در جامعه به نوعی مکمل هم می‌داند، اما گاهی پیش می‌آید که در یک موضوع مشخص اخلاق و قانون هم‌راستا نیستند. در مواجهه با این مسئله دو رویکرد کلی وجود دارد.

- رویکرد اول تطبیق دادن قوانین با اخلاق است. کلاسیک‌ترین تحقیق انجام شده در این زمینه مربوط به کار کریستوفر سولبوگین است. مطابق تحقیق وی بهترین کار برای وضع قانون جدید نظارتی جدید، نظرسنجی از شهروندان بود. صرفاً با مراجعه به رأی مردم و بررسی نظرات آن‌هاست که می‌توان از درستی قوانین وضع شده در جامعه اطمینان حاصل کرد. این امر کمک می‌کند تا وضع قوانین جدید مشروعیت نظام سیاسی را به خطر نیندازد. این رویکرد بلافاصله این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند

که کدام اخلاق؟ یا اخلاق از منظر چه کسی؟ چراکه برداشت از امر اخلاقی در بین گروه‌های مختلف اجتماعی متفاوت است. اگر قرار باشد قانون بر مبنای اصول اخلاقی تنظیم شود، اخلاق مدنظر کدام گروه باید اعمال شود. هرچند نگارنده معتقد است که رسیدن به چنین توافقی در مورد همه ارزش‌های اخلاقی تقریباً غیرممکن است اما می‌توان توافقی همه‌گیر و عمومی را بر اساس ارزش‌های اخلاقی هسته‌ای و مرکزی در هر جامعه‌ای شکل داد (ارزش‌های اخلاقی هسته‌ای).

- رویکرد دوم، رویکرد آموزشی است. به این معنا که با شناسایی این عدم تطابق‌ها با اتکا به آموزش و اطلاع‌رسانی شهروندان را از ماهیت واقعی قانون باخبر کرده و بدین ترتیب به رفع این سوءتفاهم کمک کنند. تایلر معتقد است که غالب مردم اطلاع بسیار اندکی در مورد دادگاه و سیستم حقوقی و قضائی کشور دارند و دانسته‌هایشان عمدتاً از طریق رسانه‌های جمعی به دست آمده که می‌تواند سوگیرانه باشد. از این رو بسیار اهمیت دارد که دولت و مقامات قضائی کشور با شناسایی این شکاف‌ها تلاش کنند تا با ارائه تصویری واقعی‌تر و دقیق‌تر (از طریق آموزش) این شکاف را پر کنند.

۲. نکته دیگری که تایلر از آن صحبت می‌کند، مشروعیت نظام سیاسی و چالش مهم مربوط به آن است. تایلر هرچند مشروعیت نظام سیاسی را مهم‌ترین سنگرگاه قانون‌گرایی در جامعه می‌داند و معتقد است مشروعیت نظام سیاسی یک مکانیسم همه‌منظوره است که می‌توان از آن در یک حدود مشخص جهت همگام‌سازی مردم با تصمیمات دولتی استفاده کرد. اول اینکه به عقیده نگارنده بهترین نوع مشروعیت زمانی به دست می‌آید که این مشروعیت مبتنی بر عدالت رویه‌ای در همه ابعاد از قانون‌گذاری تا اعمال قانون باشد. در وضع قانون عدالت رویه‌ای مشارکت دادن تمام آحاد جامعه در قانون‌گذاری است و در اعمال قانون، منصفانه بودن فرایند دادرسی است چراکه اگر پلیس و دستگاه قضا با شهروندان به‌صورت منصفانه برخورد کنند آن‌ها نیز دروناً احترام بیشتری برای

قانون قائل خواهد شد و خودبه‌خود فرد را به اطاعت داوطلبانه از قانون سوق خواهد داد.

اما جالب اینکه همین مبنا قرار دادن مشروعیت برای نظم حقوقی نیز خود بالقوه می‌تواند مشکل‌ساز باشد. تایلر معتقد است به جهت اعتماد بالا به دولت، در این رویکرد افراد به لحاظ ذهنی از عملکرد خود جدا می‌شوند و اختیار تصمیم‌گیری را به فرد دیگری (دولت) واگذار می‌کنند، در این شرایط این افراد می‌توانند آسیب بسیاری به افراد دیگر وارد کنند. چراکه در این شرایط افراد خود را انسان‌هایی اخلاقی با مسئولیت‌کنش‌هایشان نمی‌بینند، بلکه بیشتر خود را موجوداتی عمل‌کننده به فرامینی منبع بالاتر می‌بینند. این امر به مرور زمان می‌تواند شهروندان به ارتکاب اعمال غیراخلاقی سوق دهد.

بر مبنای دو فاکتور فوق (اخلاق‌مداری شهروندان و مشروعیت دولت) تایلر از ۴ نوع مدل قانون‌مداری در جامعه صحبت می‌کند. مدل اول که همان الگوی مبتنی بر کنترل اجتماعی است، زمانی اتفاق می‌افتد که نه اخلاق‌مداری شهروندان را به سمت قانون‌گرایی سوق می‌دهد و نه نظام سیاسی به قدری از مشروعیت برخوردار است که شهروندان با اتکا به این مشروعیت، قانون را رعایت کنند. مدل دوم مربوط به زمانی است که اخلاق‌مداری در سطح جامعه پایین بوده و صرفاً اعتماد نسب به نظام سیاسی وجود دارد و نوعی قانون‌مداری بر این مبنا در جامعه شکل می‌گیرد. مدل سوم زمانی است که هرچند نظام سیاسی از مشروعیت بالایی در بین شهروندان برخوردار نیست، اما شهروندان به دلیل ملاحظات اخلاقی شخصی خود و اخلاقی دانستن قوانین به آن عمل می‌کنند؛ اما مدل چهارم که خود تایلر نیز به نوعی طرفدار آن است، مدلی است که در آن هم شهروندان اخلاق‌مدار هستند و هم نظام سیاسی از مشروعیت لازم برخوردار است. در این شرایط این دو فاکتور با تقویت یکدیگر باثبات‌ترین و محکم‌ترین نوع قانون‌مداری را در جامعه شکل خواهند داد.

	اخلاق		
		پایین	بالا
مشروعیت	پایین	مدل کنترل اجتماعی	جامعه اخلاقی مدار
	بالا	دولت مشروع	مدل قانون‌مداری دوجانبه

نتیجه‌گیری

- اطاعت پایدار از قانون در جوامع انسانی چندان ربطی به ضمانت اجرای قوانین ندارد و هیچ درجه‌ای از نظارت و تنبیه در بلندمدت قانون‌گرایی را تضمین نمی‌کند.

- قانون‌گرایی بلندمدت در هر جامعه‌ای تابع دو فاکتور اخلاقی بودن قوانین و مشروعیت یا مقبولیت نظام سیاسی است.

- مواردی پیش می‌آید که قوانین با قواعد پذیرفته شده و خوب و بدهای یک جامعه تطابق نداشته باشد در این شرایط اگر این عدم تطابق ناشی از سوءتفاهم و فهم درست ماهیت قانون بوده باشد، می‌توان با ارائه آموزش به شهروندان نسبت به رفع آن اقدام کرد اما اگر این تطابق واقعی باشد، جهت تضمین اطاعت از قانون می‌توان به مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی متوسل شد.

آیا مجازات اعدام جان افراد را نجات می‌دهد؟ بررسی یافته‌های تجربی از سال ۱۹۷۷ تا ۲۰۰۶

نویسندگان: تومیسلاو کوانزیچ - لین وی برایتیس - دنیز پکت بوتس

مترجم: دکتر ایمان شاه بیگی



نخستین نویسنده‌ای که به‌طور جدی به ارزیابی تأثیر بازدارنده مجازات اعدام پرداخت احتمالاً تورستن سلین باشد که در سال ۱۹۵۹ اثری با عنوان «مجازات اعدام» منتشر کرد و در آن نتیجه گرفت که مجازات اعدام هیچ اثر بازدارنده‌ای بر نرخ ارتکاب قتل ندارد. سلین نرخ ارتکاب قتل عمد در ایالت‌هایی که در آن‌ها مجازات این جرم، اعدام بود را با سایر ایالت‌هایی که از مجازات حبس استفاده می‌کردند مقایسه کرد و دریافت که نرخ ارتکاب جرم قتل در ایالت‌ها یا با هم فرقی ندارد و یا در ایالت‌هایی که از اعدام استفاده می‌کنند نرخ جرم قتل بیشتر است. بعد از سلین، آیزاک ارلیچ در سال ۱۹۷۵ مقاله‌ای جنجالی نوشت و با استفاده از روشی تجربی مدعی شد که هر مجازات اعدامی که در آمریکا اجرا می‌شود جان ۸ نفر را نجات می‌دهد. ارلیچ در مقاله خود روش پژوهش سلین را هم زیر سؤال برد. مقاله ارلیچ در محافل غیردانشگاهی و عموماً توسط سیاست‌گذارانی که بر استفاده از مجازات اعدام اصرار داشتند بسیار مورد ارجاع بود. هر چند که بعدها این مقاله از نظر روش‌شناسی بسیار مورد انتقاد قرار گرفت و در نتیجه یافته‌های آن نیز رد شد. در سال ۲۰۰۳ چند اقتصاددان تجربی از جمله هاشم دژبخش با تکیه بر تحلیل‌های اقتصادی گری بکر از مفهوم بازدارندگی مجازات‌ها، اثری را منتشر کردند که در آن نشان می‌دادند بر اساس یافته‌های تجربی، هر مجازات اعدام در ایالت‌های آمریکا جان ۱۸ نفر را نجات می‌دهد. هر چند که این یافته‌ها با پژوهش‌های تجربی جرم‌شناسان در تعارض آشکار بود. گری بکر اقتصاددانی بود که در سال ۱۹۶۸ تحلیلی از منطق بزهکاری منتشر کرد و در آن مدعی بود که همه آدم‌ها از جمله بزهکاران، در انتخاب‌ها و رفتار خود به دنبال بیشتر کردن سودهای خود هستند و اگر می‌خواهیم که از رفتار انحرافی و مجرمانه پیشگیری کنیم باید منطق ارتکاب جرم را دست‌کاری کنیم تا انگیزه ارتکاب از بین رود.

مقاله‌ای که در این قسمت به آن پرداختیم جامع‌ترین پژوهش تجربی هست که به بررسی اثر بازدارندگی مجازات اعدام پرداخته و در آن مجموعه گسترده‌تری از داده‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته و علاوه بر این به مجموعه متنوع‌تری از عوامل تأثیرگذار بر نرخ جرم پرداخته که معمولاً در پژوهش‌های اقتصاددانان تجربی به آن‌ها توجه

نمی‌شود. باید توجه داشت که مجازات صرفاً یکی از عوامل مؤثر بر بازدارندگی از جرم و نرخ ارتکاب جرم است نه تنها عامل آن.

در مجموعه پژوهش‌های تجربی که خصوصاً مابین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ در خصوص آثار بازدارنده مجازات اعدام انجام شده، بیش از هر چیز بر تأثیر دفعات استفاده از مجازات اعدام و تأثیر آن بر بازدارندگی پرداخته شده است. مقصود آن است که هر چه در یک ایالت خاص تعداد دفعاتی که محاکم و دادگاه‌های کیفری از مجازات اعدام در حکم خود بیشتر استفاده کرده‌اند و با تأخیر کمتری هم مجازات را اجرا کرده‌اند، ترس از مجازات هم بیشتر شده و نرخ ارتکاب جرم قتل عمد کاهش پیدا کرده. به اعتقاد دژبخش و همکارانش هر چه ایالتی پرجمعیت‌تر و نرخ ارتکاب جرم در آن بیشتر باشد، استفاده از مجازات اعدام در آن ایالت بازدارندگی بیشتری داشته و زندگی آدم‌های بیشتری را نجات داده است.

عمده‌ترین انتقادات به پژوهش‌های اقتصاددانان تجربی این است که مسائل تأثیرگذار در کاهش نرخ قتل عمد را صرفاً به مجازات محدود کردند، گویی تنها دلیل کاهش یا افزایش نرخ جرم قتل نوع مجازات آن است. نویسندگان مقاله حاضر برخی دیگر از سیاست‌هایی که در همین دوران می‌توانسته‌اند در نرخ جرائم تأثیرگذار باشند را هم بررسی کرده‌اند و به‌طور مثال به قوانین مشهور به سه ضربه اشاره می‌کنند. قوانین سه ضربه مصوباتی هستند که از دهه ۱۹۹۰ به‌وسیله مقامات ایالتی در ایالات متحده به موقع اجرا گذاشته شدند و دادگاه‌های ایالتی را ملزم می‌کنند تا افرادی را که سه بار یا بیشتر به صورت مجزا به خاطر جرائم کیفری خشونت‌بار محکوم شده‌اند، به دوره‌های طولانی حبس محکوم کنند. این قوانین در دهه ۱۹۹۰ شیوع زیادی پیدا کردند. حقوق‌دانان به این قوانین، قوانین مربوط به مجرمان به عادت می‌گویند. این اصطلاح از قوانین بازی بیس‌بال گرفته شده که زننده توپ با چوب، می‌تواند تا دو ضربه خطا بزند و در مرتبه سوم از بازی اخراج می‌شود. فلسفه‌ای که برای این قوانین ذکر شده، این است که زندانی کردن خود به خودی و طولانی افرادی که مرتکب سه جرم یا بیشتر می‌شوند، امر بجایی است، چون مجرمان مکرر، اصلاح‌ناپذیرند و به هیئت مجرمینی دیرینه درآمده‌اند و برای حفظ امنیت عمومی باید آن‌ها را زندانی کرد. البته به خود این قوانین در

حوزه کیفرگذاری هم نقدهای زیادی وارد شده است؛ اما اعمال این قوانین باعث شد تا برخی از بزهکارانی که پتانسیل قتل عمد داشتند مدت‌های طولانی‌تری در زندان باقی بمانند و امکان ارتکاب قتل در حین برخی دیگر از جرائم مثل سرقت و تجاوز از آن‌ها گرفته شد و کاهش نرخ قتل عمد در این موارد هیچ ربطی به مجازات اعدام یا عدم اعدام در قتل عمد نداشت. همچنین حق استفاده از اسلحه هم مورد دیگری است که به اعتقاد برخی در آمریکا در ارتکاب قتل عمد تأثیرگذار است و باید در تحلیل‌های مربوط به نرخ قتل عمد، صرف‌نظر از میزان و نوع مجازات به عنوان یک متغیر بررسی شود.

علاوه بر دو موردی که اشاره شد، وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه هم متغیر مهمی در بررسی نرخ ارتکاب جرم است که باز در تحلیل اقتصاددانان تجربی مورد بررسی قرار نگرفته است. عواملی مثل نرخ بیکاری و اشتغال، نرخ درآمد سرانه، نرخ افرادی که پایین‌تر از خط فقر زندگی می‌کنند، تعداد افراد دارای تحصیلات عالی (مدرک کارشناسی و بالاتر) و نرخ مصرف الکل در هر ایالت در نرخ ارتکاب قتل عمد تأثیرگذار است.

و نهایتاً باید به برخی دیگر از عواملی که در نظریه بازدارندگی در کاهش عمومی نرخ جرائم تأثیرگذارند هم اشاره کرد. مثلاً نرخ تعداد افسران پلیس یا تعداد ماشین‌های گشت‌زنی پلیس نسبت به جمعیت هر ایالت یک عامل عمومی بازدارنده است که باز ربطی به میزان مجازات جرم ندارد. یکی دیگر از این دسته عوامل هم میزان نرخ مرگ و میر در زندان هست که نشان‌دهنده کیفیت تجربه زیسته زندان هر ایالت بوده و می‌تواند در تلقی بزهکاران از مجازات زندان اثرگذار و بازدارنده باشد. با در نظر گرفتن همه نکات پیش گفته می‌توان یافته‌های این فراتحلیل را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- به نظر می‌رسد بر اساس یافته‌های تجربی صرف وجود مجازات اعدام در مجموعه قوانین کیفری تأثیری بر کاهش نرخ ارتکاب و ذهنیت بزهکاران آن جرم ندارد.

۲- به نظر می‌رسد بر اساس یافته‌های تجربی تعداد حکم به مجازات اعدام، اگر قرار باشد این پیام را به بزهکاران بالقوه منتقل کند که قضات این ایالت تردید و

ترسی از صدور حکم اعدام ندارند، تأثیر بازدارنده‌ای در نرخ مجازات نداشته است. تفاوت این بند با بند قبلی در این است که در برخی از ایالت‌ها مجازات اعدام در قوانین کیفری وجود دارد اما در عمل و در محاکم در استفاده از آن احتیاط بیشتری می‌شود، بند دوم این مسئله را بررسی می‌کند که در ایالت‌هایی که از مجازات اعدام عملاً بیشتر استفاده می‌شود، آیا ذهنیت بزهکاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا نه، که یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که تأثیر بازدارنده چندانی ندارند.

۳- مورد مشابه دیگر این است که تعداد اجرای مجازات اعدام هم تأثیری در میزان نرخ قتل عمد ندارد. تفاوت این بند با بندهای دیگر این است که در بند اول فقط وجود مجازات اعدام در قوانین بررسی می‌شود، در مورد دوم تعداد صدور حکم مجازات بررسی و در بند سوم تعداد اجرای حکم اعدام ارزیابی می‌شود، چون در بسیاری از موارد ممکن است حکم اعدام صادر شود اما سال‌ها طول بکشد تا به مرحله اجرا برسد و یا ممکن است بعد از صدور اصلاً اجرا نشود و زندانی آزادی مشروط بگیرد یا قانون تغییر کند، یا فرد با دلایل جدید تبرئه شود و یا قبل از اجرای حکم در زندان فوت کند.

۴- یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که شرایط بد زندان تأثیری در کاهش نرخ جرم قتل عمد ندارد.

۵- یافته‌ها حاکی از آن است که افزایش تعداد افسران پلیس و افزایش جمعیت زندان با نرخ ارتکاب جرم قتل عمد رابطه معکوس دارند و با افزایش دو مورد اول، تعداد قتل عمد کاهش یافته است.

۶- در تحلیل نظریه گری بکر در مورد اینکه بزهکاران موجوداتی منطقی و عقلانی و محاسبه‌گری هستند، بی‌آنکه منکر این حقیقت باشیم باید گفت که پژوهش‌های دیگری مانند اثر کورنیش و کلارک در سال ۱۹۸۶ نشان می‌دهد بزهکاران لزوماً بهترین تصمیم‌ها را در زندگی خود نمی‌گیرند، چون معمولاً به همه اطلاعات و داده‌های لازم برای تصمیم‌گیری مناسب دسترسی ندارند، در نتیجه نباید این‌طور فرض کرد که بزهکاران افرادی هستند که همیشه تصمیمات شروانه حساب‌شده و با محاسبه دقیقی را گرفتند و در نتیجه آن مرتکب جرم شده‌اند. در مورد جنایات هم باید گفت اغلب قتل‌های عمدی نه ناشی از یک برنامه‌ریزی دقیق، بلکه ناشی از یک عدم

آیا مجازات اعدام جان افراد را نجات می‌دهد؟ بررسی یافته‌های تجربی از سال ...

کنترل لحظه‌ای بر خشم و رفتار است و معمولاً سبق تصمیمی در این جرائم وجود ندارد. بزهکاران جرائم خشونت‌بار اغلب افراد خونسرد و با برنامه‌ای نیستند و معمولاً از مواد مخدر و الکل مصرف می‌کنند یا نشانه‌هایی از افسردگی دارند. در نتیجه تصمیماتشان هم از منطق تعقلی تبعیت نمی‌کند. در نتیجه نمی‌توان گفت نظریه بازدارندگی که بیشتر بر بزهکاران منطقی متمرکز است در مورد این دسته از بزهکاران مصداق پیدا می‌کند. این بزهکاران اغلب موقع ارتکاب جرم به نتیجه رفتار خود و مجازاتی که در انتظارشان هست فکر نمی‌کنند. پژوهش‌های تجربی مختلف که به صاحب‌ه و ارزیابی بزهکاران پرداخته‌اند نشان می‌دهند که در مورد بزهکاران جرائم خشونت‌بار شدت مجازات عامل تعیین‌کننده‌ای نیست چون این بزهکاران به عواقب بلندمدت رفتار خودشان فکر نمی‌کنند. برعکس، قطعیت مجازات و احتمال بالاتر دستگیری برای این بزهکاران اهمیت بیشتری در تصمیم‌گیری دارد.

عدالت رویه‌ای، مشروعیت و حاکمیت کارآمد قانون

نویسنده: تام تیلر

مترجم: دکتر فرهاد باباخانی قاضی جهانی



بحث اصلی مقاله حاضر قانون‌گرایی است اما آن را از منظر عدالت رویه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسندگان در سراسر مقاله به دنبال پاسخگویی به دو سؤال اصلی است.

- آیا مدل‌های ابزاری جهت کاهش قانون‌گریزی را می‌توان مدل‌های موفق‌تری ارزیابی کرد؟

- عدالت رویه‌ای تا چه اندازه می‌تواند به قانون‌گرایی در جامعه کمک کند. نویسندگان معتقد است که قانونمندی مردم تا حد زیادی تحت تأثیر قضاوت مردم از منصفانه بودن پرونده‌ای است که پلیس و دادگاه از طریق آن اقتدار خود را اعمال می‌کنند. (تایلر، ۱۹۹۰).

مدل ابزاری که اساساً براساس نظریه انتخاب عقلانی طراحی شده است (رویکردی که انسان را موجودی خودخواه می‌داند که به دنبال حداکثری کردن منفعت خود است) مطابق این رویکرد مهمترین فاکتور مؤثر در کاهش قانون‌گریزی کنترل و اعمال ضمانت‌های اجرایی منفی است. به زبان ساده‌تر افراد اگر احساس کنند که نظارت بر رفتار آن‌ها بالا بوده و هر رفتار غیرقانونی ممکن است منجر به دستگیری آن‌ها شود، در این صورت کمتر دست به عمل غیرقانونی خواهند زد؛ اما انتقاد تایلور از این رویکرد این است که مطابق آنچه در عمل مشاهده می‌شود و تحقیقات تجربی نشان می‌دهد، این رویکرد عملاً در کنترل جرم و قانون‌گریزی موفقیت چشمگیری نداشته است. چراکه افزایش نظارت و یا بالا بردن احتمال دستگیری افراد عملاً هزینه بسیار بالایی را بر دولت تحمیل می‌کند. وی با آرایه آماری از جرایم و نرخ دستگیری در آمریکا، نشان می‌دهد که امکان عینی دستگیری در مورد بسیاری از جرایم در این جامعه پایین است. ریسک عینی دستگیری در مورد تجاوز ۱۲ درصد، سرقت ۴ درصد، ضرب و جرح ۱ درصد، قتل ۴۵ درصد و...

راس (۱۹۸۲) معتقد است افزایش نرخ ریسک دستگیری تا حدی که بتواند آمار قانون‌گریزی را کم کند، هرچند کار غیرممکنی نیست) اما در عین حال هزینه بسیار بالایی را به مقامات قضایی تحمیل می‌کند. افزایش تعداد نیروهای پلیس، هزینه‌های تجهیزات نظارتی هزینه‌های مادی این اقدام است اما بالاتر از آن ممکن است این امر هزینه‌ای برابر با مشروعیت نظام سیاسی نیز تحمیل کند. این امر مخصوصاً در جوامع دمکراتیک که قوانین ریشه در خواست و اراده مردم دارد، این

مشروعیت را به سرعت خدشه دار می سازد؛ چرا که غالباً افزایش میزان نظارت در زندگی خصوصی و شخصی، با رضایت عامه مرم اتفاق نمی افتد. از طرفی تبلیغات رسانه ای در جهت تلقین افزایش احتمال دستگیری و مجازات قانونگریزی نیز هر چند به صورت موقت میزان قانون گریزی را کاهش دهد، اما با گذشت زمان به مرور تجربیات واقعی زندگی روزمره محاسبه واقع بینانه تری از شرایط و احتمال دستگیری به افراد می دهد که این میزان برای پیشگیری از ارتکاب جرم کافی نیست؛ بنابراین هر چند افزایش ریسک دستگیری فاکتوری مؤثر در کاهش نرخ جرایم است اما نگهداری آن ها در همان سطح بسیار دشوار و هزینه بر خواهد بود.

ماستروفسکی و همکاران (۱۹۹۷) طی تحقیقی به این نتیجه رسیدند که حتی با وجود چنین نظارتهایی میانگین قانونگریزی در ویرجینیا ۲۲ درصد است. ۱۹ درصد موارد حتی با وجود اخطار پلیس به فرد، همچنان اصرار به ایجاد مزاحمت داشتند، ۳۳ درصد حتی با وجود اخطار از اعمال بی نظمی در اماکن عمومی منصرف نمی شدند، ۱۸ درصد موارد علی رغم اخطار پلیس همچنان به اقدام غیرقانونی خود در فضای عمومی ادامه دادند. تکرار این تحقیق در شهر ایندیاناپولیس شهر ایندیانا و پترزبورگ فلوریدا نیز نتایج مشابهی به دست داد. از این رو گفته می شود اطاعت از قانون صرفاً با این ابزار اتفاق نمی افتد و علاوه بر نظارت باید خود قانون تبدیل به تعهدی درونی در شهروندان شود. از این رو گفته می شود باید قانون طوری باشد که اطاعت عمومی را در شهروندان ترغیب کند و منابع محدود مالی را به سوی آن دسته اقلیتی سوق دهد که مشکلی جدی در اطاعت از قانون دارند (تایلر، ۲۹۱).

راس (۲۰۰۷) در این بین به یک نکته به درستی اشاره می کند و آن اینکه هر چند برنامه ریزی از این مسیر جهت کاهش قانونگریزی بسیار دشوار است اما مواردی وجود دارد که این چنین نظارتهایی از قبل وجود دارد. مثلاً در مورد جرم فرار از مالیات باید گفت با تکنولوژی امروزی تقریباً تمام درآمد فرد مخصوصاً برای افرادی که به صورت حقوق بگیری کار می کنند، مشخص است. از این جهت احتمال دروغگویی و تقلب برای شهروندان خیلی پایین است. این زمینه و زمینه های مشابه احتمال بازدارندگی این حد از نظارت بالاتر است؛ اما باید به خاطر داشت که چنین موردی قابل تعمیم به همه ابعاد زندگی نیست.

البته نکته دیگری که قابل ذکر است اینکه تا چه حد جامعه و دولت آمادگی لازم در این مورد را داشته باشند؛ مثلاً در مورد جرمی نظیر قتل اهمیت مسئله به حدی است که سرمایه‌گذاری لازم در این زمینه انجام یافته و البته مردم نیز با هزینه کردن در این زمینه و حتی گاهاً نظارت نسبتاً بیشتر مشکلی ندارند. (تایلور، ۲۰۰۴) از این رو باید گفت سرمایه‌گذاری در این بخش تابع فاکتورهای بسیاری از جمله میزان منابع در دسترس می‌باشد.

عدالت رویه‌ای و کاهش قانون‌گریزی

نویسنده هر چند فاکتورهای دیگر تأثیرگذار بر قانون‌گریزی شهروندان را رد نمی‌کند (از جمله میزان کارآمدی نهادهایی نظیر پلیس و دادگاه‌ها در برقراری نظم و امنیت)، اما در عین حال تأکید ویژه‌ای بر لزوم عدالت رویه‌ای در این زمینه دارد. برخلاف دسته‌ای از اندیشمندان که عمدتاً بر نتیجه حکم و رأی تأکید دارند تایلر (۱۹۹۰) معتقد است هر چند تصمیم دادگاه و رأی آن برای افراد در پذیرش نهایی و اطاعت از آن تأثیر دارد (منصفانه بودن رأی)، اما در این بین پروسه رسیدن به این تصمیم و در واقع عدالت رویه‌ای اهمیت بیشتری دارد.

عناصر عدالت رویه‌ای

- بی‌طرفی و تصمیم‌گیری بر اساس ملاک‌های عینی و نه دیدگاه‌های شخصی.

- نحوه برخورد و احترام به افراد

- حق دفاع و تشریح موضع طرفین. ضمن اینکه طرفین یا مشارکت‌کنندگان باید این احساس را داشته باشند که مقامات مواضع و سخنان آن‌ها را ملاحظه کرده و در نظر دارند.

- تصمیم‌گیری بر مبنای اصول قابل اطمینان. به این معنا که در تصمیم‌گیری منافع افرادی که از آن تصمیم تأثیر می‌پذیرند، رعایت شده باشد.

وی در این بین، دو نهاد پلیس و دادگاه را مهم‌ترین نهادهای اعمال عدالت رویه‌ای می‌داند و معتقد است در درجه اول این عدالت رویه‌ای به برقراری عدالت کمک می‌کند؛ اما مهم‌تر از آن، عدالت مشروعیت این دو نهاد در بین مردم را افزایش

می‌دهد. چراکه همانگونه که گفته شد، یکی از شروط اصلی پیشگیری از قانون‌گریزی اجتماعی شدن پیشگیری است و این امر محقق نمی‌شود مگر با همکاری داوطلبانه مردم با این دو نهاد. غیر از آن تایلور معتقد است که تمایل و آمادگی مردم برای پذیرش محدودیت‌های قانونی تا حدودی زیادی به ارزیابی آن‌ها از عدالت رویه‌ای پلیس و دادگاه بستگی دارد (عدالت رویه‌ای احساس مسئولیت‌پذیری و تکلیف به رعایت قانون را در شهروندان بر می‌انگیزد. چراکه در ابتدا مشروعیت دستگاه قضا را در نزد شهروندان بالا می‌برد) (تایلور، ۲۸۴). به همین نحو تسلیم شدن متهم نیز در قبال حکم صادره یا تصمیم پلیس تا حدود زیادی بستگی به این دارد که تا چه حد این پروسه طی شده و به اصطلاح عدالت رویه‌ای برقرار شده باشد. در این شرایط نه تنها تصمیمات آن‌ها را می‌پذیرند بلکه آن‌ها را مقبول دانسته و حتی حاضر به همکاری با آن‌ها می‌شود و به عبارتی می‌پذیرند که از آن‌ها باید اطاعت کرد (تایلور، ۲۸۶).

تایلور به تحقیقاتی اشاره می‌کند که با این رویکرد نظریه وی را تأیید می‌کنند. مثلاً شرمن و همکاران (۱۹۹۷) دریافتند که رابطه‌ای بین نوع رفتار پلیس و میزان ارتکاب جرایم جود دارد. در بسیاری از موارد عملاً رفتار نامناسب پلیس (عدم رعایت عدالت رویه‌ای) به افزایش برخی جرایم منجر می‌شود.

قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین المللی و نقش واقعی اصول یونیدروا

نویسنده: مایکل یواخیم بونل

مترجم: خانم نعیمه درویشی



اصول قراردادهای تجاری بین المللی یونیدروا، ابزار مهم حقوق نرم در زمینه حقوق قراردادهای تجاری است که اولین بار در سال ۱۹۹۴ منتشر شد و در زمان انتشار این مقاله، آخرین ویرایش آن، در سال ۲۰۱۶ منتشر شده است. این اصول قابلیت آن را دارد که جایگزین معتبری برای رویکرد سنتی دولت‌ها با محوریت این تعارض‌ها باشد. از دیدگاه نگارندگان این مقاله، وضعیت فعلی قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین المللی به سختی رضایت‌بخش است و علی‌رغم رشد بی‌سابقه تجارت و توسعه بازارهای یکپارچه، معاملات برون‌مرزی همچنان تا حد زیادی تابع قوانین ملی هستند. قوانین ملی روزانه بر حجم زیادی از معاملات داخلی حاکم است و رضایتی نسبی نسبت به آن وجود دارد. پس مشکل کجاست که نباید این قوانین را در معاملات برون‌مرزی هم اعمال کرد؟

محدودیت‌های رویکرد سنتی تعارض قوانین مبتنی بر قانون ملی

به موجب این رویکرد، معاملات برون‌مرزی نیز مانند قراردادهای داخلی، تحت حاکمیت قانون یک کشور قرار می‌گیرند. این موضوع ممکن است به دلایل مختلفی مورد نقد باشد؛ چراکه قوانین داخلی به میزان قابل توجهی از نظر محتوا متفاوت بوده و نیازهای ویژه تجارت بین الملل را پوشش نمی‌دهد. با این همه نباید از نظر دور داشت که نظام‌های حقوقی بسیار توسعه‌یافته هم اغلب سنتی هستند و در نتیجه ممکن است در موردی خاص، امکان اعمال بیش از یک قانون ملی وجود داشته باشد و تعارض قوانین به وجود بیاید. در این شرایط در اجرای قواعد حل تعارض، اغلب تمایل به اجرای قوانین ماهوی داخلی است و دور از ذهن نیست که این قواعد به درستی تفسیر شوند.

ممکن است طرفین بخواهند خود قانون حاکم بر قرارداد را تعیین کنند. در این شرایط تمایل کمتری نسبت به پذیرش قوانین داخلی کشور متبوع طرف مقابل وجود دارد. این امر می‌تواند طرفین را به سمت انتخاب قانونی بی‌طرف سوق دهد که در صورت نبود آگاهی کافی نسبت به آن قانون، نیاز به مشاوره‌های وقت‌گیر و پرهزینه با وکلای کشور قانون انتخابی را در پی داشته باشد. البته برای خروج از این بن‌بست، طرفین می‌توانند با توافق، اختلافات ناشی از قرارداد را به داوری ارجاع

بدهند و از قواعد دآوری غیردولتی، به عنوان قانون قابل اعمال در ماهیت اختلافات خود استفاده کنند. اگر چنین راه حلی انتخاب نشود، تعیین قانون قابل اجرا، با وجود همه ابهامات، به قواعد تعارض قوانین واگذار خواهد شد. راه دیگر این است که طرفین برای اجتناب از اعمال هر نوع قانون داخلی، با شرح مفصل و جامعی از حقوق و تعهداتشان، از توسل به هر منبع خارجی دیگری جلوگیری کنند. البته این واقعیت را هم باید در نظر داشت که مشکلات غیرقابل حلی بین طرفین در مورد موانع زبانی و نبود اصطلاحات حقوقی یکسان بین المللی وجود دارد که باعث می‌شود نتوانند چارچوب قانونی کلی برای تفسیر و اجرای صحیح داشته باشند. علاوه بر این در دادرسی دادگاه‌های داخلی، مفاد قرارداد فقط تا حدی قابل اجرا دانسته شده که با قواعد آمره قانون داخلی در تضاد نباشد.

از ابتدای قرن گذشته و به ویژه از نیمه دوم، دولت‌ها با توجه به عدم قطعیت ناشی از عملکرد نظام‌های حقوقی مختلف، اقدام به تصویب کنوانسیون‌های مختلفی برای یکپارچه‌سازی قواعد در حوزه حقوق قراردادها کردند، اما علی‌رغم موفقیت‌های غیرقابل انکار، نتایج کلی تلاش‌های یکپارچه‌سازی از طریق ابزارهای قانونی، به ویژه با توجه به هزینه‌ها، ناامیدکننده بود. کنوانسیون‌های بین‌المللی یکپارچه‌سازی حقوق، اغلب یا توسط تعداد کافی از کشورها تصویب نشدند و یا حتی اگر لازم‌الاجرا شدند، طرفین گاه به توصیه وکلای محافظه کار، از به کارگیری آن‌ها اجتناب کردند. علاوه بر این، چنین کنوانسیون‌هایی با ماهیتی نسبتاً پراکنده فقط موضوعات مربوط به حقوق و وظایف طرفین را پوشش می‌دادند؛ حتی سند جامعی همچون کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا هم مفاد مبهم و خلأهای قابل توجهی داشت.

این اسناد اغلب توسط نهادهای خصوصی، انجمن‌های ملی تجاری و یا بورس‌های کالایی فعال در مراکز عمده تجاری - مالی تنظیم می‌شوند. در نتیجه نه تنها ممکن است محتوایشان یک طرفه است، بلکه ناگزیر تحت تأثیر مفاهیم حقوقی کشورهای متبوع خود نیز هستند. در واقع این ابزار اگر چه از نظر دلیل و منشأ محتوا، متعادل‌تر به نظر می‌رسند، اما همچنان سیستم نظارتی عمومی تری را پیش فرض می‌گیرند تا در حل و فصل مسائلی که صراحتاً به آن‌ها اشاره نمی‌شود و نیز شروط

و حدود اعتبار، به آن‌ها رجوع شود.

اصول یونیدروا: قواعد خصوصی یا شرح مجدد حقوق قراردادهای بین المللی

اصول یونیدروا توسط گروهی از کارشناسان مستقل از کلیه نظام‌های حقوقی و حوزه‌های اصلی ژئوپلیتیک جهان تهیه شد و در نهایت توسط مؤسسه بین المللی یکسان سازی حقوق خصوصی (یونیدروا) مورد تأیید قرار گرفت. وقتی اولین بار این اصول در سال ۱۹۹۴ منتشر شد، از آن به عنوان گام مهمی به سوی جهانی شدن تفکر حقوقی، استقبال به عمل آمد. کمیسیون حقوق تجارت بین الملل سازمان ملل متحد هم ضمن تأیید این اصول، نقش آن‌ها را در تسهیل تجارت جهانی ستود. این اصول، مجموعه جامعی از اصول و قواعد مربوط به قراردادهای تجاری بین المللی ارائه می‌دهد که با بخش‌های نوشته و نانوشته مقررات مرتبط با قراردادها در حقوق داخلی، قابل مقایسه است. سبک تدوین اصول یونیدروا شبیه مقررات غیرالزام‌آور بوده و زبانی موجز و صریحی دارد تا درک آن برای غیروکلا هم ساده باشد. عمداً از اصطلاحات خاص نظام‌های حقوقی مفروض در آن پرهیز شده و در نتیجه زبان حقوقی یکپارچه‌ای را برای درک و استفاده در سراسر دنیا ایجاد کرده است. بدون تجزیه و تحلیل اصول یونیدروا برای بررسی جنبه‌های نوآورانه‌اش، می‌توان گفت مقرراتی وجود دارد که اگر چه برای نظام‌های حقوق نوشته، کاملاً آشناست، اما برای نظام‌های حقوقی کاملاً ناشناخته مانده است و بالعکس. مفاد خلاقانه و نظرات مثبت دریافتی درباره این اصول، قانون‌گذاران برخی از کشورها را بر این داشته تا به اصلاح قوانین داخلی خود اقدام کنند.

به‌طور کلی می‌توان گفت تعدادی معدودی از اصول یونیدروا آشکارا با قوانین داخلی موجود در تضاد هستند و غالب این اصول با قوانین و مقررات کشورها سازگار بوده و در برخی موارد توضیح و شرحی مفید برای این قوانین محسوب می‌شوند.

با این همه اصول یونیدروا در قراردادهای بین المللی و حل و فصل اختلافات چه ظرفیت‌هایی دارد و در واقعیت چقدر از آن استفاده می‌شود؟

- اصول یونیدروا به عنوان قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی

ممکن است طرفین معامله‌ای نتوانند و یا مایل نباشند در مورد قانون داخلی خاص به عنوان قانون حاکم بر قرارداد خود توافق کنند؛ در نتیجه تعیین قانون قابل اجرا با همه مشکلات به قواعد حل تعارض قوانین مربوطه واگذار شود و یا ممکن است توافق طرفین، اصول عمومی حقوق، اصول پذیرفته‌شده عمومی حقوق تجارت بین‌الملل یا لکس مرکاتوریا و مواردی از این دست باشد که در این صورت تشخیص معنی دقیق چنین مفاهیمی مبهم بوده و بر عهده هیئت داور است و نتیجه نهایی غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود. یک جایگزین قابل اطمینان توسل به اصول یونیدرواست که مجموعه‌ای عادلانه از مقررات بوده و تقریباً مهم‌ترین موضوعات قواعد عمومی قراردادها را پوشش می‌دهد.

اما اگر طرفین قانونی را انتخاب نکنند، دادگاه‌ها و دیوان‌های دآوری مجاز به اعمال این اصول به عنوان قواعد حقوقی حاکم بر قرارداد یا قابل اعمال در صورت بروز اختلاف هستند یا نه؟

در صورت انتخاب اصول یونیدروا توسط طرفین، در زمینه دآوری تجاری بین‌المللی پاسخ به‌طور کلی مثبت است. طبق بند یک از ماده ۲۸ قانون نمونه آنسیترال در مورد دآوری تجاری بین‌المللی، مصوب ۱۹۸۵، دیوان دآوری بر اساس قواعد قانونی که توسط طرفین برای حل اختلاف انتخاب شده، در مورد اختلاف تصمیم می‌گیرد. مقررات مشابهی را هم می‌شود در قوانین داخلی متعدد دآوری در سراسر جهان یافت که بر اساس قانون نمونه آنسیترال وضع شده‌اند.

اما در مورد دادگاه‌ها، دیدگاه سنتی همچنان رایج، آزادی انتخاب طرفین در محدوده انتخاب یک قانون داخلی خاص است و در نتیجه انتخاب اصول یونیدروا، به عنوان یه توافق صرف، محدود به قرارداد می‌شود و طرفین را تا حدی متعهد می‌کند که بر قواعد الزام‌آور لکس مرکاتوریا تأثیری نداشته باشد. البته در دوره کنونی تحولات جالبی در این حوزه رخ داده است. برای مثال کنوانسیون بین‌آمریکایی ۱۹۹۴، در مورد قانون قابل اجرا در قراردادهای بین‌المللی در دو بخش، به منابع حقوقی با

قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین المللی و نقش واقعی اصول یونیدروا

ماهیت ملی یا فراملی اشاره می‌کند و در نهایت نتیجه می‌گیرد که در صورت انتخاب صریح طرفین، اسناد حقوقی نرم همچون اصول یونیدروا، ممکن است به عنوان قانون حاکم بر قرارداد، در نظر گرفته شود. در سند پیش‌نویس ۱۵ دسامبر ۲۰۰۵ هم که قرار بود جایگزین کنوانسیون ۱۹۸۰ رم در مورد قانون قابل اجرا در تعهدات قراردادی شود، طرفین می‌توانستند اصول و قواعد حقوق ماهوی قرارداد را که در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، به عنوان قانون قابل اجرا انتخاب کنند. متأسفانه پیشنهادات خلاقانه ارائه‌شده در این پیش‌نویس با ملاحظات شدیدی از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپا مواجه شد و کشورها نگران ریسک عدم اطمینان ناشی از انتخاب اصول و قواعد ملی بودند. با این همه بررسی‌ها نشان می‌دهد در همین سال‌های اخیر، تمایل به اتخاذ رویکردهای منعطف و لیبرال‌تر در زمان تعارض قوانین نمود بیشتری پیدا کرده و اسناد و مقرراتی که به تصویب رسیدند، از جمله اصول لاهه و قانون پاراگوئه، قواعد حقوقی عموماً در سطح بین‌المللی، فراملی یا منطقه‌ای را به عنوان مجموعه‌ای از قوانین بی‌طرف و متوازن پذیرفته‌اند و تفسیر رسمی به صراحت، از اصول یونیدروا به عنوان نمونه‌ای از این قواعد حقوقی یاد می‌کند که قابلیت انتخاب به عنوان قانون حاکم را دارد. علاوه بر این اخیراً هم برخی از تصمیمات دادگاهی مهم معترف بودند اسناد حقوقی نرمی مانند کنوانسیون‌های بین‌المللی که هنوز لازم‌الاجرا نشده‌اند یا اصولی مثل یونیدروا، می‌توانند به عنوان عرف قراردادی مورد اعمال باشند. برخی از تصمیمات دادگاهی هم ابزارهای حقوقی نرم همچون اصول یونیدروا را به عنوان قواعد حقوقی حاکم بر اصل دعوا، حتی در صورت عدم انتخاب صریح طرفین به کار بردند. البته در سال ۲۰۰۸ هم دادگاه عالی تجاری اوکراین در یادداشتی توضیحی رسمی، اعلام کرد اصول یونیدروا هم مانند سایر اسناد از جمله UCP و اینکوترمز، در صورتی قابل اجرا هستند که با شرایط قراردادی یا قوانین آمره در اوکراین در تضاد نباشند.

در مورد استفاده واقعی از اصول یونیدروا در قراردادهای بین‌المللی رویه‌های حل و فصل اختلافات، بدیهی است که داده‌های دقیقی در دسترس نیست و تنها منبع اطلاعاتی، ولو ناقص، تصمیمات دادگاه‌ها و آرای داوری در سراسر جهان است. از ۴۳۴ تصمیم جمع‌آوری شده از پایگاه داده یونیلیکس، در ۱۱۲ تصمیم، دقیقاً ۱۶ رأی

دادگاه و ۸ مورد رأی داوری، استفاده از اصول یونیدرو تأیید شده و ۹۶ رأی داوری، البته نه فقط رأی ایکسید در مورد اختلافات سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و سرمایه‌گذارهای خصوصی خارجی، اصول یونیدرو را به عنوان قواعد قانونی حاکم بر اصل اختلاف اعمال کردند. علاوه بر این سه تصمیم دادگاه، حق طرفین را برای انتخاب اصول یونیدرو، به عنوان قواعد حقوقی حاکم بر قرارداد پذیرفته است. تنها در تعداد کمی از موارد گزارش شده، اصول یونیدرو به صراحت توسط طرفین در قراردادشان، تنها به عنوان عرف قراردادی، یا مرتبط با سایر منابع حقوقی مانند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و یا به قانون داخلی خاص انتخاب شده است. طرفین اغلب پس از شروع رسیدگی و یا به پیشنهاد دیوان داوری در مورد اعمال اصول یونیدرو توافق می‌کنند. در واقع بعد از بروز اختلاف است که می‌دانند موضوع مورد بحث چیست؛ در نتیجه در موقعیت بهتری برای درک مزایای انتخاب اصول به عنوان قواعد حقوقی قابل اعمال در اصل اختلاف قرار دارند.

اصول یونیدرو ابزاری برای تفسیر و تکمیل قواعد جهانی حقوق بین‌الملل

امروزه به‌طور گسترده در جهان پذیرفته شده که اسناد حقوقی یکپارچه بین‌المللی حتی پس از ادغام در نظام‌های حقوقی ملی، به عنوان مجموعه حقوقی مستقل باقی می‌مانند و باید بر اساس اصول و قواعد مستقل و یکپارچه بین‌المللی تفسیر و تکمیل شوند و توسل به قوانین داخلی، فقط باید به عنوان آخرین راه حل باشد. به این ترتیب قواعد حقوقی سخت‌گیرانه حقوق داخلی به طرز قابل توجهی با اصول و قواعد غیرالزام‌آور فراملی جایگزین می‌شوند. ضمن اینکه با وجود استفاده فراوان از اصول یونیدرو توسط نهادهای داوری در سراسر جهان، باز هم طرفین قراردادهای بیع بین‌المللی که تحت لوای کنوانسیون بیع بین‌الملل منعقد می‌شوند، ممکن است صراحتاً بخواهند هرگونه تفسیر و تکمیل ابهامات یا خلأهای کنوانسیون در مورد قرارداد خود را در درجه اول به اصول یونیدرو بسپارند.

اصول یونیدروا به عنوان پیشینه حقوقی جهانی برای تفسیر و تکمیل حقوق داخلی

نظام‌های حقوقی بسیار توسعه‌یافته همواره راه حل روشنی برای مسائل خاص ناشی از قراردادهای تجاری ارائه نمی‌دهند، به ویژه اگر ماهیتی بین‌المللی داشته باشند. دلیل این امر می‌تواند اختلاف‌نظرها یا موضوعات مورد مناقشه باشد. در هر دو شکل، اصول یونیدروا ممکن است به عنوان معیاری برای اطمینان از تفسیر و تکمیل‌کننده قوانین داخلی مربوطه، مطابق با استانداردهای پذیرفته‌شده بین‌المللی، مورد استفاده قرار گیرد. حال سؤال اینجاست که آیا استفاده از اصول یونیدروا به عنوان ابزاری برای تفسیر و تکمیل قانون در زمینه داخلی هم قابل پذیرش است؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال مثبت باشد؛ حداقل تا آنجا که به معاملات بین‌مشارکتی مربوط می‌شود، اما تردیدی نیست که اگر قانون داخلی قابل اجرا، راه حل روشنی برای موضوع اختلاف ارائه ندهد، نباید اجازه داد که از آن به نفع راه حل متفاوتی که قانون ارائه داده، چشم‌پوشی شود، مگر اینکه طرفین صراحتاً در استفاده از این اصول توافق داشته باشند.

بیش از نیمی از آرای دریافتی از یونیلیکس که بیشتر آن‌ها تصمیمات قضایی بوده‌اند، نشان می‌دهد که از اصول یونیدروا به عنوان ابزاری برای تفسیر و تکمیل قانون داخلی قابل اجرا استفاده شده است؛ اما تصمیماتی هم وجود دارد که همچون اختلافات در معاملات مرتبط با حقوق مصرف‌کننده کاملاً داخلی است. از همه مهم‌تر قوانین داخلی حاکم بر قراردادهای اشخاص در پرونده‌های موردنظر فقط در کشورهای کمتر توسعه‌یافته دیده نمی‌شود، بلکه نمونه‌هایی از آن را می‌شود در کشورهایی مانند آرژانتین، استرالیا، برزیل، انگلیس، فنلاند، آلمان، یونان، ایتالیا، هلند، نروژ، نیوزلند، پاراگوئه، اسپانیا، سوئد، سوئیس و ... هم مشاهده کرد؛ بنابراین قابل تأیید است که حتی نظام‌های حقوقی بسیار پیشرفته هم همیشه پاسخ روشن و واضحی ارائه نمی‌دهند و در مواردی دیده شده که دادگاه‌ها و دیوان‌های داوری برای حمایت از اتخاذ یکی از چند راه حل ممکن، تحت لوای قوانین داخلی قابل اجرا یا به منظور پر کردن شکاف واقعی به اصول یونیدروا متوسل شده‌اند. مسلماً در اغلب ارجاعات، اصول یونیدروا، هیچ تأثیر مستقیمی بر تصمیم‌گیری در

مورد ماهیت اختلاف موردنظر نداشته و مفاد اصول به تنهایی یا همراه با سایر منابع قانونی مانند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مورد استناد بوده است. برای اطمینان طرفین به راه حل اتخاذشده تحت قوانین خارجی، اصولاً قواعد متوازن و پذیرفته‌شده‌ای همچون اصول یونیدروا، می‌تواند تأثیر روانی مفیدی داشته باشد و اعتماد به یک قضاوت منصفانه را افزایش دهد. علاوه بر این تصمیماتی از سوی برخی از دادگاه‌های بدوی در کشورهای همچون استرالیا، انگلیس، نیوزلند و ... گرفته شده که به اصول یونیدروا مانند منبع الهام برای بازنگری آشکار در قوانین فعلی کشورشان اشاره دارد.

اگر طرفین بدون در نظر گرفتن استناد دادگاه داخلی یا دیوان داوری، موضوع اختلاف را به اصول یونیدروا ارجاع داده باشند، آیا همان تأثیر را خواهد داشت یا نه؟

با توجه به اینکه دادگاه‌ها اصولاً تفسیر و رفع خلأ قوانین داخلی قابل اجرا را در انحصار خود می‌دانند، ممکن است پاسخ به این سؤال با تردیدهایی همراه باشد؛ اما در بررسی دقیق‌تر به نظر می‌رسد پاسخ مثبت باشد. حداقل در رابطه با موضوعاتی همچون استقلال طرفین، نه‌تنها دیوان‌های داوری، بلکه دادگاه‌های داخلی هم معمولاً از توافق‌های انجام‌شده بین طرفین در مورد چگونگی رفع ابهام در قانون قابل اجرا یا پر کردن شکاف‌ها پیروی می‌کنند.

نکات پایانی

علی‌رغم افزایش روزافزون موضوعات تجارت بین‌الملل، معاملات برون‌مرزی همچنان تا حد زیادی تابع قوانین ملی هستند و تعداد کمی از اسناد حقوقی نرم همچون اصول یونیدروا، می‌توانند جایگزین معتبری برای تعارض قوانین باشند. اصول حقوقی یونیدروا تنها حقوق قراردادهای عمومی را در برمی‌گیرد و حاوی قواعد مشخصی برای قرارداد خاصی نیست؛ بنابراین هیچ‌چیز مانع از آن نیست که طرفین در زمان انتخاب اصول به عنوان قواعد حقوقی حاکم بر قراردادشان، علاوه بر قانون خاص داخلی، برای پر کردن شکاف‌های احتمالی، متوسل به اصول یونیدروا شوند.

پویش‌های حقوقی

دبی اولین قانون رمزارز خود را جهت تنظیم دارایی‌های مجازی منتشر کرد.^۱

مترجم: دکتر سحر کریم‌نیا

در ۲۸ فوریه سال ۲۰۲۲، دبی قانون دارایی‌های مجازی (VAL) را به تصویب رسانید و سازمان تنظیم مقررات دارایی‌های مجازی دبی (VARA) را تأسیس نمود. این قانون که چهارچوبی حقوقی برای کسب‌وکارهای مرتبط با دارایی‌های مجازی از جمله رمزارزهای دیجیتال و توکن‌های غیرقابل تبدیل (NFTs) ایجاد کرده است، چشم‌انداز دبی را در تبدیل شدن به یکی از حوزه‌های قضایی پیشرو برای کارآفرینان و سرمایه‌گذاران فناوری بلاک‌چین به نمایش گذاشته است.

قانون دارایی‌های مجازی که از ۱۱ مارس ۲۰۲۲ لازم‌الاجرا شده، «دارایی مجازی» را به هرگونه نمایش دیجیتالی یک ارزش تعریف کرده است که می‌تواند به صورت دیجیتال مورد تجارت، معامله یا انتقال قرار گیرد یا به عنوان ابزار مبادله یا پرداخت و یا برای اهداف سرمایه‌گذاری استفاده شود. منظور از «توکن مجازی» نیز نمایش دیجیتالی مجموعه‌ای از حقوق است که می‌تواند از طریق پلتفرم دارایی مجازی (پلتفرمی که به وسیله یک ارائه‌دهنده دارایی مجازی با مجوز سازمان تنظیم مقررات دارایی‌های مجازی دبی فعالیت می‌کند) به صورت دیجیتال مورد معامله قرار گیرد.

قانون دارایی‌های مجازی، بر فعالیت‌های مرتبط با دارایی‌های مجازی در مرکز مالی بین‌المللی دبی (DIFC) اعمال نمی‌شود. این مرکز، منطقه‌ای آزاد در امارات متحده عربی است که تحت صلاحیت مرجع خدمات مالی دبی، دارای چهارچوب مقرراتی خاص خود برای تنظیم دارایی‌های مجازی است.

۱. منبع: Kurth Andrews Hunton

سازمان تنظیم مقررات دارایی‌های مجازی دبی واجد شخصیت حقوقی، استقلال مالی و اداری و وابسته به مرکز تجارت جهانی دبی است. این سازمان مسئولیت تنظیم‌گری، راهنمایی و نظارت بر صدور، ارائه و فرایندهای انتشار دارایی‌ها و توکن‌های غیرقابل تبدیل را بر عهده دارد؛ منشور اخلاقی، سیاست کلی و برنامه‌های راهبردی در این حوزه را منتشر می‌کند و مسئول اجرای قانون دارایی‌های مجازی است. اگرچه، خدمات مربوط به دارایی‌های مجازی را در سطح فدرال تنظیم نمی‌کند.

نهادی که قانون دارایی‌های مجازی را نقض کند، ممکن است به مجازات معین و جریمه نقدی، از جمله لغو مجوز از سوی سازمان تنظیم مقررات دارایی‌های مجازی دبی به مدت شش ماه محکوم شود.

هر شخص حقیقی یا حقوقی در صورتی می‌تواند خدمات دارایی مجازی ارائه دهد که:

۱) مجوز مربوط را از سازمان تنظیم مقررات دارایی‌های مجازی دبی اخذ کند،

۲) فعالیت خود را در دبی اجرایی کند،

۳) از مقام تجاری مرتبط در دبی، مجوز تجاری دریافت کند.

از دیگر وظایف سازمان تنظیم مقررات دارایی‌های مجازی، نظارت بر فعالیت‌های تجاری در خدمات دارایی‌های مجازی به‌منظور جلوگیری از دست‌کاری قیمت و ایجاد استانداردهای بالای حمایت از داده‌های شخصی است. علاوه بر این، از این سازمان انتظار می‌رود که در راستای اعمال قانون دارایی‌های مجازی، تصمیمات اجرایی صادر کند؛ تصمیماتی مشتمل بر شرح فعالیت‌های مرتبط، دارایی‌های مجازی استثناء یا معاف شده، فرایندهای اخذ مجوز، متولی دارایی‌های مجازی و کیف پول‌های دیجیتال.

قانون جدید مخابرات و فناوری اطلاعات عربستان سعودی^۲

مترجم: دکتر شیما عطار

عربستان سعودی با انتشار قانون جدیدی تحت عنوان «قانون مخابرات و فناوری اطلاعات» «*Act Technology Information and Telecommunications*» نظام تنظیم‌گری مخابرات خود را به‌روز کرده است. این قانون که از ۷ دسامبر ۲۰۲۲ (برابر با ۱۶ آذر ۱۴۰۱) لازم‌الاجرا خواهد شد، قانون مخابرات سابق را لغو می‌کند و تمرکز آن را از مخابرات به اَشکال جدید فناوری و خدمات دیجیتال گسترش می‌دهد. به موجب قانون جدید، کمیسیون ارتباطات و فناوری اطلاعات عربستان سعودی (CITC) به عنوان مرجع اصلی مسئول نظارت و اجرای این قانون باقی خواهد ماند.

ویژگی‌های قانون جدید

قانون جدید مخابرات و فناوری اطلاعات با تمرکز ویژه بر ارتقای تحول دیجیتال در عربستان سعودی و تشویق نوآوری، کارآفرینی، پژوهش و توسعه فنی، به تنظیم‌گری فناوری‌های نوظهور می‌پردازد. در این قانون، تعریف «مخابرات یا ارتباطات از راه دور» برای شناسایی سیستم‌ها و دستگاه‌های ارتباطی ماشین به ماشین گسترش یافته و «فناوری اطلاعات» در معنای وسیعی تعریف شده است که شامل «فناوری‌ها، نرم‌افزارها، سیستم‌ها، شبکه‌ها و هر فرآیند مرتبط برای ایجاد، جمع‌آوری، ایمن‌سازی، پردازش، ذخیره یا تجزیه و تحلیل داده‌ها یا اطلاعات، از جمله برنامه‌های کاربردی ارتباطات از راه دور

۲. منبع: CO & CLYDE

و فناوری اطلاعات» می‌شود. این تعریف، طیف وسیعی از ارائه‌دهندگان خدمات دیجیتال را تحت شمول نظام جدید قرار می‌دهد.

حمایت از داده و امنیت سایبری

نکته شایان توجه در قانون جدید مخابرات و فناوری اطلاعات، اختصاص فصلی به حمایت از داده‌های کاربر و اسناد محرمانه است. این امر به دنبال تحولات اخیر در عربستان سعودی، یعنی انتشار اولین «قانون حمایت از داده‌های شخصی» در اواخر سال ۲۰۲۱ صورت گرفته است.

قانون مخابرات و فناوری اطلاعات، ارائه‌دهندگان خدمت را در زمان استفاده یا پردازش اطلاعات شخصی هر کاربر، ملزم به متابعت از مفاد قانون جدید حمایت از داده‌های شخصی می‌کند. این قانون، ارائه‌دهندگان خدمت را ملزم می‌سازد تا تمامی تدابیر و اقدامات احتیاطی لازم را برای اطمینان از حفاظت و محرمانگی اطلاعات و اسناد شخصی کاربران به کار گیرند.

وفق قانون، افشای اطلاعات کاربر بدون رضایت او ممکن نیست. ارتباطات تلفنی یا اطلاعات افشاشده از طریق شبکه‌های ارتباطاتی عمومی، صراحتاً محرمانه اعلام شده‌اند و دسترسی، مشاهده یا ضبط آن‌ها ممنوع است مگر اینکه طبق قانون الزامی وجود داشته باشد.

تشویق به رقابت

همانند قانون سابق، قانون فناوری اطلاعات مقرر می‌دارد که ارائه‌دهندگان خدمت، مسئول اجرای قیمت‌های مناسب برای خدمات ارتباطات و فناوری اطلاعات هستند و ارائه‌دهندگان خدمت کنترل‌گر (آن‌هایی که بیش از ۴۰ درصد بازار مرتبط را در دست دارند) باید درخواست‌های اتصال یا دسترسی را با شرایط و قیمت‌های منصفانه و بر اساس هزینه‌های تأیید شده توسط کمیسیون ارتباطات و فناوری اطلاعات برآورد کنند. ادغام بین ارائه‌دهندگان خدمت (در داخل یا خارج از کشور) یا کسب بیش از ۵٪ از سهام در هر ارائه‌دهنده خدمت دارای مجوز، منوط به تأیید پیشین هیئت کمیسیون ارتباطات و فناوری اطلاعات است.

قانون، همچنین، ارائه‌دهندگان خدمت کنترل‌گر را از سوءاستفاده از موقعیت مسلط خود منع می‌کند. انتظار می‌رود که «قواعد»، اقدامات ضد رقابتی ممنوع را به جزئیات شرح دهند.

صدور مجوز، ثبت و اجازه قانونی

علاوه بر نظام صدور مجوز، قانون مخابرات و فناوری اطلاعات به اشکال دیگری از تأیید در قالب ثبت یا اجازه قانونی اشاره می‌کند. قانون مقرر می‌دارد که هیئت کمیسیون ارتباطات و فناوری اطلاعات ممکن است برای ارائه خدمات خاص مرتبط با مخابرات یا فناوری اطلاعات (از جمله پلتفرم‌های محتوای دیجیتال)، تملک یا استفاده از دستگاه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات و تأسیس شبکه مخابراتی ویژه، اخذ مجوز، ثبت یا اجازه قانونی را درخواست نماید. این امر به کمیسیون اجازه می‌دهد تا فناوری‌های کنونی، در حال ظهور یا آینده را از طریق قواعد یا تصمیمات بعدی تنظیم کند.

همانند قانون سابق، هیئت کمیسیون از توانایی لغو، تعلیق یا تغییر هرگونه ثبت مجوز برخوردار است. اگرچه، این تصمیم باید مبتنی بر یک دلیل معقول باشد یا پیرو تغییر در شرایط بازار صورت گیرد.

جرایم و ضمانت اجراها

در مواردی که انجام فعالیت به موجب قانون جدید نیازمند اخذ مجوز یا ثبت باشد، هرگونه ارائه خدمات مخابراتی یا تأسیس شبکه مخابرات عمومی بدون مجوز، در قانون مخابرات و فناوری اطلاعات جرم‌انگاری شده است.

علاوه بر این، قانون، دامنه جرایم را به تملیک، فروش، اجاره، در دسترس قرار دادن، ساخت، تولید یا تجارت هرگونه تجهیزات، خدمات یا نرم‌افزارهایی که فاقد استانداردها و مشخصات موردنیاز فنی باشد، یا به هر نحو با قواعد، نظارت‌ها و الزامات تعیین‌شده توسط کمیسیون، مطابقت نداشته باشد، گسترش داده است. قانون مخابرات و فناوری اطلاعات به کمیسیون ارتباطات و فناوری اطلاعات اختیار داده تا خدمات هر اپراتوری که شرایط اخذ مجوز را نقض کند، تعلیق نماید. همچنین، قانون صراحتاً به مسدود کردن کامل یا جزئی پلتفرم‌های محتوای

دیجیتال اشاره کرده است.

نتیجه

قانون مخابرات و فناوری اطلاعات مفاهیم جدیدی را معرفی کرده و به میزان قابل توجهی وظایف اصلی کمیسیون ارتباطات و فناوری اطلاعات را گسترش داده است تا علاوه بر اپراتورهای شبکه مخابرات، ارائه‌دهندگان زیرساخت و خدمات دیجیتال را نیز شامل شود. کسب‌وکارهایی که در این حوزه فعالیت می‌کنند باید اقداماتی را برای ارزیابی اعمال این قانون انجام دهند، از جمله اخذ هرگونه مجوز، ثبت یا الزامات اجازه قانونی. شایان ذکر است که قانون مخابرات و فناوری اطلاعات به‌طور مستقیم به فناوری‌ها یا مسائلی مانند ارزهای دیجیتال، توکن‌های غیرقابل تبدیل (NFTs)، هوش مصنوعی یا متاورس نمی‌پردازد. اگرچه، قواعد یا تصمیماتی که در آینده به‌موجب این قانون وضع خواهد شد، ممکن است مقررات خاصی را در این حوزه‌ها تدوین نماید.

اعمال مقررات جزایی و تنظیمی علیه شرکت‌ها در سنگاپور^۱

مترجم: دکتر نی‌اله غلامی

علی‌رغم چالش‌های ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا، سنگاپور به‌عنوان یک مرکز مالی پیشرو در شاخص مراکز مالی جهانی، به تلاش‌های خود در مبارزه با فساد ادامه داده است.

این کشور با اعطای اختیار تحقیق و تعقیب قانونی شرکت‌ها به مراجع نظارتی مختلف اعم از مرجع تنظیم مقررات حسابداری و شرکتی، بانک مرکزی، صرافی با مسئولیت محدود، کمیسیون مصرف‌کننده و رقابت، اداره تحقیقات در خصوص رویه‌های فاسد و کمیسیون حمایت از داده‌های شخصی، چهارچوب نظارتی و اجرایی خود را در مبارزه با فساد تقویت کرده است.

در حال حاضر، هیچ قانون جامعی در خصوص حمایت از افشاگران فساد در سنگاپور وجود ندارد. اگرچه، برخی قوانین مانند قانون پیشگیری از فساد و قانون فساد، قاچاق مواد مخدر و سایر جرائم مهم، از افشاگران فساد و امکان ناشناس ماندن آن‌ها حمایت می‌کنند.

مقامات تنظیم‌گری که در سنگاپور، اختیار تحقیق و تعقیب قانونی شرکت‌ها را دارند، عبارت‌اند از:

۱. مرجع تنظیم مقررات حسابداری و شرکتی (ACRA)، که ثبت کسب‌وکارهای جدید، گزارشگری مالی، امور مربوط به حسابداران عمومی و ارائه‌دهندگان خدمات شرکتی را تنظیم می‌کند.
۲. نیروی پلیس سنگاپور که اختیارات تحقیقی گسترده‌ای نظیر ورود به اماکن بدون حکم، ملزم ساختن شهود به حاضر شدن، ثبت اظهارات و انجام تحقیق برای بازیابی شواهد را داراست. دپارتمان تخصصی امور اقتصادی (CAD) نیز تحقیقات مربوط به جرائم اقتصادی و مالی را انجام می‌دهد.
۳. مرجع پولی، بانک مرکزی سنگاپور (MAS)، که نهادهای مالی را از طریق قانون اوراق بهادار و معاملات آتی (اسفا)، قانون مشاوران مالی، قانون خصوص تصاحب و ادغام و اعمال ضمانت اجراهای مدنی برای سوء رفتار در بازار، مورد نظارت و تنظیم قرار می‌دهد.
۴. صرافی با مسئولیت محدود سنگاپور (SGX) که هم‌یک نهاد اقتصادی و هم تنظیم‌کننده بازار است.
۵. کمیسیون مصرف‌کننده و رقابت سنگاپور (CCCS)، که قانون رقابت را اعمال و اجرا می‌کند، رویه‌های ضد رقابتی را بررسی و از مصرف‌کنندگان حمایت می‌نماید.
۶. اداره تحقیقات در خصوص رویه‌های فاسد (CPIB)، که فساد در هر دو بخش عمومی دولتی و خصوصی را بررسی می‌کند. مأموران این اداره، این اختیار را دارند که در صورت وجود اطلاعات موثق یا ظن منطقی مبنی بر وقوع یک فساد اداری، بدون وجود حکم، شخصی را بازداشت کنند، محلی را بازرسی کرده و یا مدارکی را ضبط نمایند.
۷. کمیسیون حمایت از داده‌های شخصی (PDPC)، که قانون حمایت از داده‌های شخصی را اجرا می‌کند.

خودگزارشی

چهار چوب تقنینی و تنظیمی سنگاپور، یک رژیم مبتنی بر افشاگری را اتخاذ کرده است. شرکت‌های ثبت شده در بورس سنگاپور ملزم هستند تا هرگونه اطلاعاتی در مورد خود، شرکت‌های تابعه یا شرکت‌های مرتبط با آن که یا «برای جلوگیری از ایجاد بازار کاذب در اوراق بهادار ضروری است» یا «احتمالاً بر قیمت یا ارزش اوراق بهادار آن تأثیر اساسی خواهد گذاشت» را افشاء نمایند. عدم رعایت این موارد، در صورتی که به صورت عمدی یا ناشی از بی‌مبالاتی باشد، جرم محسوب می‌شود. نهادها و ارائه‌دهندگان خدمات مالی نیز به موجب اعلامیه‌های الزام‌آور مرجع پولی سنگاپور، مکلف به خودگزارشی هستند. نهادهای مالی مکلف‌اند تا تخلفات ارتكابی توسط نمایندگان خود را به مرجع مالی سنگاپور گزارش نمایند. همچنین این نهادها مکلف به انجام تحقیقات داخلی در خصوص نمایندگان خود و ارائه اظهارنامه سالانه هستند، حتی اگر هیچ تخلفی ارتكاب نیافته باشد. عدم انجام این وظیفه جرم‌انگاری شده و مجازات کیفری به همراه دارد. به‌طور گسترده‌تر، خودگزارشی عموماً برای مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم مورد نیاز است.

موضوعات قانون رقابت

کمیسیون مصرف‌کننده و رقابت سنگاپور دارای یک برنامه ارفاقی است که بسته به اینکه، کسب‌وکارها اولین کسانی باشند که اطلاعاتی را در خصوص فعالیت‌های مجرمانه ارائه دهند و یا اینکه تحقیقات از قبل شروع شده باشد، سطوح مختلفی از مزایا به آن‌ها ارائه می‌شود.

در مواردی که یک کسب‌وکار، اولین کسی باشد که شواهدی دال بر فعالیت مجرمانه ارائه دهد و قبل از شروع تحقیقات توسط کمیسیون مصرف‌کننده و رقابت سنگاپور، این کار را انجام دهد، می‌تواند از جریمه‌های مالی مصون گردد، مشروط بر اینکه واجد برخی شرایط معین باشد. در صورتی که کسب‌وکار، نخستین شخصی باشد که موضوع را به کمیسیون مذکور ارائه نموده، ولی این کار را پس از شروع به تحقیق توسط کمیسیون انجام داده باشد، در این صورت استحقاق دریافت مصونیت را نخواهد داشت. باین حال ممکن است واجد شرایط تخفیف در جریمه مالی، حتی

تا تمام مبلغ جریمه، باشد.

افشاگران فساد

در حال حاضر، هیچ قانون جامعی در خصوص حمایت از افشاگران فساد در سنگاپور وجود ندارد. با این حال، قوانین مختلف شامل مقرراتی هستند که برخی از آن‌ها از افشاگران فساد حمایت می‌کنند. برای مثال، قانون پیشگیری از فساد (پکا)، قانون فساد، قاچاق مواد مخدر و سایر جرائم مهم (مصادره منافع) (کدسا)، به افشاگران فساد اجازه می‌دهد ناشناس بمانند.

به‌طور مشابه، هویت افشاگران در مورد خطرات ایمنی محل کار نیز توسط قانون محافظت می‌شود. در راستای برنامه کمیسیون مصرف‌کننده و رقابت سنگاپور، این کمیسیون هویت افشاگران فساد را مخفی نگه می‌دارد. مطابق قانون شرکت‌ها، حسابداران هنگامی که با حسن نیت، ارتکاب تقلب را گزارش دهند، از تعقیب تحت عنوان افترا و نیز داشتن مسئولیت مصون می‌مانند. قانون (سرکوب تأمین مالی) تروریسم (تسوفا) نیز از هویت افشاگران فساد حفاظت می‌کند.

مسئولیت مدنی

یک شرکت ممکن است مبتنی بر اصل مسئولیت نیابتی یا نمایندگی و یا در صورتی که بتوان رفتارهای کارکنان و نمایندگان شرکت را به شرکت منتسب کرد، در قبال رفتارهای این اشخاص دارای مسئولیت مدنی باشد.

مسئولیت کیفری

به غیر از حبس، شرکت‌ها می‌توانند مشمول بسیاری از انواع دیگر ضمانت اجراها از جمله جزای نقدی، مجازات‌های مدنی یا حتی محرومیت از حق انجام برخی اقدامات در آینده شوند. به‌طور معمول، مجازات‌های مالی اعمال شده بر شرکت‌ها بیشتر از مجازات‌های اعمال شده برای افراد است و برخی مقررات جرم‌زا به‌طور خاص این موضوع را پیش‌بینی می‌کند.

ضمانت اجراهای تنظیمی

در مواردی که شرکت یا تخلف ارتكابی، تحت صلاحیت یک نهاد یا مقام تنظیم‌گر خاص قرار می‌گیرند، ممکن است ضمانت اجراهای مرتبط با آن تنظیم‌کننده نیز در خصوص شخص اعمال شوند.

صلاحیت فرا سرزمینی

در سنگاپور، مگر به تصریح قانون، قوانین کارکرد فراسرزمینی ندارند. موارد زیر استثنائات قابل توجهی برای این قاعده کلی هستند:

قانون سرکوب تأمین مالی تروریسم

بخش ۳۴ این قانون بیان می‌کند که هر فردی که در خارج از سنگاپور، مرتکب فعل یا ترک فعلی شود که در صورت ارتكاب در سنگاپور، مطابق با قانون تسوفا جرم تلقی شود، می‌توان برای فعل یا ترک فعل مذکور او را مورد اتهام قرار داد، محاکمه و مجازات نمود. همچنین، در مواردی که جرائم خاصی در خارج از سنگاپور توسط یک شهروند سنگاپور انجام شود، ممکن است با آن شخص به‌گونه‌ای برخورد شود که گویی جرم در سنگاپور انجام شده است.

قانون پیشگیری از فساد

بخش ۳۸ (۱) قانون پکا بیان می‌کند که این قانون بر شهروندان سنگاپوری خارج از سنگاپور نیز اعمال می‌شود.

قانون فساد، قاچاق مواد مخدر و سایر جرائم مهم

این قانون به جرائم مرتبط با پول‌شویی و مصادره منافع ناشی از خرید و فروش مواد مخدر یا رفتار مجرمانه می‌پردازد و به صراحت «رفتار مجرمانه» و «معامله مواد مخدر» را تعریف می‌کند تا انجام چنین اعمالی را در سنگاپور «یا مناطق دیگر» شامل شود. دامنه این قانون، به هر «جرم خرید و فروش مواد مخدر خارجی»، «جرم جدی خارجی» و هر دارایی «خواه در سنگاپور یا جاهای دیگر» تسری یافته است.

قانون اوراق بهادار و معاملات آتی

مقررات رفتار بازار ذیل بخش ۱۲ این قانون، در مورد اعمالی که در خارج از سنگاپور رخ می‌دهد، بدین صورت اعمال می‌شود: (۱) اوراق بهادار یا قراردادهای مبتنی بر اوراق بهادار (الف) شرکت‌هایی که در سنگاپور تشکیل شده یا تجارت می‌کنند یا (ب) تراست‌های تجاری که متولیان آن از طرف شرکت تراست تجاری در سنگاپور تشکیل شده‌اند یا تجارت می‌کنند؛ (۲) اوراق بهادار یا قراردادهای مبتنی بر اوراق بهادار فهرست شده یا معامله شده در سنگاپور؛ (۳) ضوابط مالی که در سنگاپور اعمال می‌شوند.

همکاری بین‌المللی

سنگاپور کنوانسیون‌های بین‌المللی مختلفی را در قوانین داخلی خود پذیرفته است که ارائه و دریافت کمک بین‌المللی در امور کیفری را تسهیل می‌کند، از جمله تهیه و کسب شواهد، ایجاد ترتیباتی برای طرفین برای ارائه مدرک یا کمک به تحقیقات جنایی، ضبط یا مصادره اموال و مواردی از این قبیل.

این کشور همچنین عضو معاهده اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا در مورد کمک حقوقی متقابل در امور کیفری است که فرآیندی را فراهم می‌کند که از طریق آن کشورهای منطقه می‌توانند درخواست و ارائه کمک در جمع‌آوری شواهد برای تحقیقات جنایی را ارائه و دریافت نمایند.

نیروی پلیس سنگاپور یکی از اعضای اینترپل است. مرجع مالی سنگاپور نیز یکی از امضاکنندگان یادداشت تفاهم چندجانبه سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار در مورد مشاوره و همکاری و تبادل اطلاعات است. بر اساس قانون اسفا، مرجع مالی سنگاپور می‌تواند به هم‌تایان خارجی خود در تحقیقات مربوط به پرونده‌های آن‌ها کمک نماید.

استرداد (هم‌به و هم‌از) سنگاپور بر اساس قانون استرداد امکان‌پذیر است که استرداد فراریان را به/ و از کشورهای خارجی که سنگاپور با آن‌ها معاهده استرداد منعقد کرده و همچنین تعدادی از کشورهای مشترک‌المنافع، فراهم می‌نماید.

ملاحظات قانونی محلی

در جایی که به یکی از طرفین، دستور ارائه اطلاعات مطابق بخش ۲۲ قانون معاضدت متقابل در امور کیفری داده می‌شود و این دستور با حسن نیت اجرا می‌شود، طرفی که این دستور را انجام می‌دهد در خصوص نقض اطلاعات مذکور دارای مصونیت کیفری و مدنی است. با این حال، در جایی که درخواست اطلاعات ناشی از نوع دیگری از درخواست خارجی باشد، ملاحظات محرمانه بودن، رازداری بانکی و حمایت از داده‌ها مطرح می‌شود.

قانون حمایت از داده‌های شخصی مقرر می‌کند که داده‌هایی که یک سازمان جمع‌آوری کرده است و می‌توان از آن برای شناسایی یک فرد استفاده کرد، قابل استفاده یا افشا نیست، مگر اینکه آن فرد رضایت دهد یا این‌گونه تلقی شود که رضایت داده است. در مواردی که افشای اطلاعات برای منافع عمومی یا برای هرگونه تحقیق یا رسیدگی ضروری است یا در جایی که افشا نزد یک «سازمان مجری قانون» تجویز شده، این موضوع با ارائه مجوز کتبی انجام می‌شود. قانون بانکداری، بانک‌های دارای مجوز در سنگاپور را از افشای «اطلاعات مشتری» منع می‌کند، به‌استثنای مواردی که در قانون پیش‌بینی شده باشد. نقض این مقررات منجر به مسئولیت کیفری برای بانک یا هر مأمور بانکی درگیر در موضوع خواهد شد.

قانون شارژ خودروهای الکتریکی در بریتانیا ۳

مترجم: دکتر مهدیه وجدانی فخر

ظهور تأمین زیرساخت‌های وسایل نقلیه الکتریکی مقررهای مربوط به ساختمان را که مصوب ۲۰۱۰ بوده به‌روزرسانی کرده است تا مالکان بریتانیایی، ساختمان‌های آینده را به شارژر الکتریکی خودرو مجهز نمایند.

دولت انگلستان در اقدامی پیشگامانه تجهیز ساختمان‌های آینده به شارژر الکتریکی خودرو را اجباری کرده است تا الزامات نصب نقاط شارژ (Electric Vehicle) لازم‌الاجرا گردد. این قانون توسط دولت بریتانیا از ژوئن ۲۰۲۲ به عنوان اصلاح بخشی از مقررات ساختمانی به اجرا درآمده است.

علت وضع قانون شارژ خودروهای الکتریکی در بریتانیا آن است که در سال ۲۰۲۱، دولت، فروش خودروهای بنزینی و دیزلی را برای سال‌های ۲۰۳۰ تا ۲۰۴۰ ممنوع اعلام کرد. بر این اساس، ساختمان‌ها، از جمله ساختمان‌هایی که تغییر کاربری داده‌اند، خانه‌های مسکونی نوساز و خانه‌های بازسازی شده می‌بایست دارای پارکینگ با نقطه شارژ باشند. هر نقطه شارژ باید قادر به ارائه توان خروجی معقول بوده و بر روی یک مدار اختصاصی اجرا گردد و با تمام خودروهایی که نیاز به دسترسی به شارژ دارد نیز سازگار باشد.

دولت بریتانیا درصدد است که اغلب زیرساخت‌های شارژ الکتریکی به صورت خصوصی تأمین شود و برای تشویق بخش خصوصی، مقررات جدید در این خصوص وضع و اطمینان حاصل شود که همه ساختمان‌ها مجهز به شارژ الکتریکی هستند.

پیش از این، هیچ الزام قانونی در بریتانیا برای مجهز شدن ساختمان‌ها به نقاط شارژ وجود نداشت و تنها برخی از شهرها این قانون را اجرا می‌کردند.

قواعد جدید مرکز داوری بین‌المللی دبی در سال ۲۰۲۴

مترجم: دکتر هادی رحمانی

پس از استقرار مرکز داوری بین‌المللی دبی (DIAC) به‌عنوان تنها مرکز داوری در دبی، مجموعه جدیدی از قواعد داوری توسط این مرکز در ۲ مارس ۲۰۲۲ منتشر شد. «قواعد جدید» که برای تطبیق با قانون داوری امارات متحده عربی وضع و از ۲۱ مارس ۲۰۲۲ لازم‌الاجرا شده است، نسبت به پرونده‌هایی اعمال خواهد شد که درخواست رسیدگی آن‌ها پس از این تاریخ تقدیم شده باشد. این قواعد به طرفین اجازه می‌دهد تا در مورد محل داوری به توافق برسند، در غیر این صورت، مقر داوری «مرکز مالی بین‌المللی دبی» خواهد بود. با این حال، دیوان این اختیار را خواهد داشت که پس از در نظر گرفتن مشاهدات طرفین و سایر اوضاع و احوال، محل داوری را تعیین کند.

درخواست واحد برای ادعاهای متعدد مرتبط با موافقتنامه داوری واحد

قواعد جدید پیش‌بینی کرده است که خواهان برای داوری دعاوی متعدد ناشی از بیش از یک موافقتنامه داوری، یک درخواست واحد ارائه دهد. در مواردی که بیش از یک موافقتنامه داوری وجود داشته باشد، دادگاه داوری ممکن است اجازه دهد که در صورت وجود شرایط خاص، رسیدگی به‌عنوان یک داوری واحد ادامه یابد. شرایط خاص می‌تواند حالتی باشد که طرفین درگیر در دعاوی متعدد، یکی باشند. همچنین اختیاراتی به دادگاه‌ها اعطاء می‌شود تا داوری‌ها را پس از انتصاب آن‌ها ادغام نمایند.

۴. منبع: [Olswang Nabarro McKenna Cameron CMS](#)

علاوه بر این، مقرراتی در قواعد جدید گنجانده شده است که امکان پیوستن اشخاص ثالث به داورى (به‌عنوان مدعى یا خواننده اضافى) را فراهم مى‌کند.

رسیدگی فوری

در قواعد جدید، مقررات مربوط به رسیدگی فوری نیز پوشش داده شده است. در مواردی که مبالغ مورد ادعا و ادعای متقابل یک میلیون درهم یا کمتر باشد (مگر اینکه به نحو دیگری توافق شده باشد)، طرفین با تسریع در روند رسیدگی موافقت کنند یا پرونده دارای فوریت استثنایی باشد، رسیدگی فوری اعمال خواهد شد. در چنین مواردی، رأی باید ظرف ۳ ماه پس از دریافت پرونده توسط دیوان صادر شود (مگر اینکه دادگاه داورى خلاف آن را تعیین کند). مقررات قابل اجرا برای رسیدگی سریع تنها در مورد توافقات داورى که پس از لازم‌الاجرا شدن قواعد جدید انجام می‌شود، اعمال می‌شود.

اقدامات موقت (دستور موقت) / داوران اضطراری

قواعد جدید حاوی ضمیمه‌ای است که به‌طور خاص اختیارات دادگاه‌ها را برای صدور دستور اقدامات موقت در طول رسیدگی تعیین می‌کند. دامنه اقدامات موقتی که در اختیار دیوان قرار دارد، گسترده است و عموماً مطابق با مفاد قانون داورى است. فرآیندهای درخواست برای صدور دستور موقت و تعیین داوران اضطراری نیز در این زمینه پیش‌بینی شده است.

هزینه‌های قانونی

قواعد جدید به دیوان اجازه می‌دهد تا در رابطه با هزینه‌های داورى رأی صادر کند و آن را بین طرفین تقسیم نماید. یکی از ویژگی‌های کلیدی قواعد جدید این است که هزینه‌های داورى صراحتاً شامل هزینه‌های نمایندگان قانونی طرفین نیز می‌شود. امید می‌رود با گنجاندن این مقرره، آنچه که در گذشته یک خلأ و منطقه خاکستری در رابطه با داورى‌های مرکز داورى بین‌المللی دبی بوده است، روشن شود.

قواعد جدید مرکز داوری بین المللی دبی در سال ۲۰۲۲

نتیجه آن که قواعد جدید نه تنها با قانون داوری امارات متحده عربی، بلکه با استانداردهای بین المللی نیز مطابقت دارد.

دادگاه تجدیدنظر فدرال آمریکا: هوش مصنوعی را نمی‌توان مخترع نامید.^۵

مترجم: دکتر شیما عطار

به موجب رأی دادگاه تجدیدنظر فدرال آمریکا در اوت ۲۰۲۲، هوش مصنوعی را نمی‌توان در تقاضای ثبت اختراع، «مخترع» نامید.

دادگاه تجدیدنظر فدرال در ۵ اوت ۲۰۲۲، با استناد به قانون پتنت امریکا (Patent Act) و جستجو در منابع متعدد، مقرر داشت که به موجب قانون پتنت، مخترع باید «شخص حقیقی» باشد.

یک ماه پیش از این، در ۵ ژوئیه ۲۰۲۲ نیز هیئت حقوقی تجدیدنظر دفتر ثبت اختراع اروپا (EPO) در پرونده‌ای اذعان نمود که بر اساس کنوانسیون اروپایی ثبت اختراع (EPC)، مخترع تعیین شده در اظهارنامه ثبت اختراع باید «انسان» باشد. این تصمیم پیرو رد دو تقاضای ثبت اختراع که در آن یک سیستم هوش مصنوعی به نام دابوس (DABUS) به‌عنوان مخترع معرفی شده بود، اتخاذ گردید.

در سال ۲۰۱۹ فردی به نام استفان تالر دو تقاضای ثبت اختراع جداگانه را در خصوص اختراعاتی که توسط سیستم هوش مصنوعی دابوس توسعه یافته بودند، به دفتر ثبت اختراعات و علائم تجاری امریکا (PTO) ارائه نمود. دفتر ثبت اختراعات، درخواست را فاقد مخترع معتبر و در نتیجه ناقص دانست. پس از تلاش‌های ناموفق تالر در معرفی هوش مصنوعی به‌عنوان مخترع، پرونده به دادگاه تجدیدنظر فدرال راه یافت.

۵. منبع: EPO /Smith Reed

این که آیا هوش مصنوعی می‌تواند مخترع شناخته شود یا نه، پرسشی است که جهان با آن روبروست. در حال حاضر، بر اساس قوانین ثبت اختراع آمریکا و اروپا، هوش مصنوعی نمی‌تواند مخترع باشد.

گزارش نشست‌ها

گزارش نشست با موضوع بررسی مأموریت‌های غیر قضائی قوه قضائیه با نگاهی به مصوبه اخیر مجلس در خصوص انتزاع سازمان ثبت از قوه قضائیه با همکاری پژوهشکده و کانون سردفتران

تهیه‌کننده گزارش: آقای فردین شقاقی

بحث این است که عده‌ای معتقدند جنبه قضائی کارکردهای سازمان ثبت اسناد و املاک غلبه دارد و باید زیر نظر قوه قضائیه باشد و بعضی معتقدند که جنبه اداری و سیاسی آن غلبه دارد و باید زیر نظر وزارت دادگستری باشد. پژوهشکده حقوقی شهر دانش در این نشست از حقوق دانان محترمی دعوت کرده تا به بررسی ابعاد مختلف این موضوع بپردازند.

مهمانان نشست:

خدیجه رضائیان: سردفتر اسناد رسمی و مدرس دانشگاه علامه طباطبائی
داریوش اشرافی: وکیل پایه یک دادگستری، سردفتر اسناد رسمی
بهرام حسن‌زاده: مدیر کل آموزش و پژوهش سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

علی فرهادی: معاون حقوقی و امور مجلس وزیر دادگستری

دکتر خدیجه رضائیان

ایشان ابتدا با دو مقدمه، اقدام به بررسی وظایف قوه قضائیه از منظر تفکیک قوا و قانون اساسی پرداختند.

مقدمه اول: اصل تفکیک قوا که در حقوق عرفی همه کشورها پذیرفته شده است، در قانون جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۵۷ به رسمیت شناخته شده است.

مقدمه دوم: ما در مأموریت‌ها که اعم از وظایف و تکالیف قوه قضائیه می‌باشد و در اصول ۱۵۶ تا ۱۷۰ قانون اساسی آمده است به دو نکته باید توجه کنیم: یکی تقدم وظیفه بر اختیار و دیگری توجه به وظایف اصلی و هسته‌ای در کنار وظایف فردی است.

در ادامه در مورد تمرکز امور قضائی در قوه قضائیه بیان فرمودند که در اجرای وظایف اصلی و فرعی قوه قضائیه سازمان‌هایی وابسته به آن هستند مثل پزشکی قانونی و ثبت اسناد و سازمان زندان‌ها و سازمان بازرسی کل کشور، سازمان قضائی نیروهای مسلح که هر کدام وظایفی دارند.

بعد به تمیز امور با ماهیت قضائی از امور با ماهیت اداری پرداختند. ایشان اعلام داشتند ماهیت قضا اساساً به تثبیت موضوعات و اثبات حق و رفع خصومت بر می‌گردد. در نظام حقوقی ما قانون بسیاری از اصطلاحات را تعریف نکرده مانند مالکیت و شرکت و... که امور قضائی هم از این امور است که بارها هم تأکید شده که باید تعریف گردد. در تشخیص مصادیق عملی امور قضائی دارای ابهام هستیم و رویه‌ای هم حاصل نشده است و باید سراغ همان قانون اساسی برویم. در فصل ۱۱ نگاه قانون‌گذار اساسی توجه به مسائلی نیست که صرفاً ماهیت قضائی داشته باشد و نگاهش به اموری است که در صلاحیت قوه قضائیه است؛ بنابراین همه آن‌ها جنبه قضائی ندارند.

تمام وظایف وزیر دادگستری که در قانون اساسی از جمله اصل ۱۶۰ و سایر قوانین عادی آمده بیانگر این است که مأموریت اصلی هماهنگی بین قوا می‌باشد؛ یعنی ایجاد حلقه اتصال سیاست‌گذاری و تسهیل‌گری روابط قوه قضائیه با قوای دیگر و بالعکس.

در خصوص وظایف سازمان ثبت اسناد و مالکیت بیان می‌دارند: مأموریت اصلی نهاد ثبت بحث تثبیت حق مالکیت به‌عنوان یکی از حقوق اولیه بشر با هدف نظم و امنیت حقوقی و قضازادایی است که مورد تأکید قوانین اساسی داخلی و بین‌المللی می‌باشد.

در پایان نتیجه گرفتند که چون کارکرد سازمان ثبت اسناد و املاک ایجاد امنیت حقوقی است و مانع بروز جرائم می‌شود، بنابراین کارکردهایش جنبه قضائی دارد. ورقه‌ای که صادر می‌کند پشت‌اش مهر حاکمیت است. همچنین در رویه نیز حتی قبل از انقلاب شاهد بودیم که این سازمان زیرنظر قوه قضائیه بوده است. متأسفانه با این طرح انتزاع شاهد برداشتن گام‌هایی به عقب هستیم.

ایشان در انتهای نشست بیان کردند که سازمان ثبت بعد از سال‌ها در ریل درستی افتاده است و از فناوری اطلاعات استفاده می‌کند. اگر این انتزاع صورت گیرد سال‌ها طول خواهد کشید که سازمان ثبت باز به این نقطه برسد و معتقدند که فساد اداری نتیجه انحصار قدرت منهای شفافیت و پاسخگویی است.

دکتر داریوش اشرفی

ایشان ابتدا به مرور تاریخچه تأسیس سازمان ثبت اسناد و املاک پرداختند. اساساً تأسیس آن با اسناد و املاک عجین شده است و در قانون مربوط به اسناد و املاک سال ۱۳۳۲ پیش‌بینی شد که یک مرکزی زیر نظر عدلیه تشکیل شود و در ماده ۲ این قانون پیش‌بینی شده بود که مسائل مربوط به اسناد و املاک یک اداره مخصوصی داشته باشد؛ بنابراین می‌بینیم از همان ابتدای تشکیل این اداره، نظر قانون‌گذار در سال ۱۳۳۲ تحت عنوان یک اداره مخصوص بوده، درست است زیرنظر وزارت عدلیه بوده ولی نظر قانون‌گذار، دادن شخصیت حقوقی خاص به آن بوده است.

بعد از انقلاب نظام تفکیک قوا در قانون اساسی تصریح و تثبیت شد و طبیعتاً با توجه به اینکه قبل انقلاب مأموریت‌های قوه قضائیه زیر نظر وزارت دادگستری بود، به‌طور طبیعی بعد از انقلاب مأموریت‌های آن به قوه قضائیه منتقل می‌شود.

در ادامه ایشان به بیان تفسیر شورای نگهبان از اصل ۱۶۰ قانون اساسی پرداختند که طبق آن وزیر دادگستری تنها رابط بین قوه مجریه و قضائیه خواهد بود.

ایشان فرمودند درسته که قبل از انقلاب وزیر دادگستری مأموریت قوه قضائیه را داشت، ولی به هر حال وزیر و در قبال مجلس جوابگو بود و از او به خاطر سوء اداره سؤال می‌شد. ولی الان چون همه مأموریت‌ها تحت اختیار قوه قضائیه است، مجلس هیچ کنترلی ندارد. اصل بر این است که نمایندگان مجلس که حق تفحص در تمامی امور را دارند، درست است که در مسائل قضائی و شبه قضائی ممنوعیت وجود دارد، اما این حق در مسائل اداری وجود دارد.

شاید نظام حقوقی ما یک نظام حقوقی منحصر به فردی باشد. درست است که ما می‌گوییم وزارت دادگستری جزو دولت است ولی با سایر وزارتخانه‌ها فرق دارد چون هم در قانون اسم برده شده است و هم در انتخاب آن قوه قضائیه دخالت دارد؛ بنابراین ماهیت وظایف آن نیز از قوه قضائیه جدا نیز نیست. ما باید این وجه هم در نظر بگیریم که کاملاً قضائی نیست و دو جنبه دارد یکی به سمت قوه مجریه و یکی به سمت قوه قضائیه.

به موازات کارهای اداری که سازمان ثبت انجام می‌دهد حق اعتراض پیش‌بینی شده است. چند مورد خاص قابل اعتراض در دادگاه می‌باشد و بیشتر موارد در هیئت‌های نظارت و شورای نظارت مورد اعتراض واقع می‌شود. اینها بیشتر جنبه شبه قضائی دارد. ایشان بر این اعتقادند که قرار نیست هر چه جنبه شبه قضائی داشته باشد را در مجموعه صلاحیتی قوه قضائیه بدانیم.

به نظر ایشان این‌گونه نیست که اگر این سازمان ثبت از قوه قضائیه منتزع شود نیازی باشد که قوانین و مقررات آن تغییر یابد. دوم اینکه هیچ تأثیری در کاهش اعتبار اسناد رسمی ندارد، اتفاقاً برعکس نظارت مجلس بر حسن اجرای کارکردهای سازمان را تسریع می‌کند.

دبیر علمی نشست، دکتر هادی رحمانی بعد از صحبت‌های ایشان بیان می‌دارند: کارکردهای سازمان ثبت مشروعیت بخشی به مالکیت و اجرای اسناد است. احساس می‌کنم حتی از بعد بررسی شورای نگهبان با مشکل شرعی هم شاید مواجه باشد. قوه قضائیه بر مبنای یقین رأی صادر می‌کند، یقین قاضی هم از سندی می‌آید که از سازمان زیر نظر خود صادر شده باشد. حال از این به بعد اگر قاضی به سندی اعتبار بدهد که زیر نظر خودش صادر نشده است، انگار به یک سندی مشروعیت

داده که جنبه اداری دارد و این یک مشکل شرعی می باشد.

دکتر علی فرهادی

ایشان در ابتدا به بیان وظایف وزارت دادگستری در پیش از انقلاب پرداختند که معتقدند کارکرد اداری و قضائی داشته است؛ وظایف اداری در بحث کارشناسان رسمی و کانون وکلا و پزشکی قانونی و سازمان ثبت اسناد بود. وظایف قضائی هم در بحث نصب و عزل قضات، در اصول ۱۵۶ و ۱۵۸ وظایف قوه قضائیه گفته شده و وقتی می خوانیم می بینیم همه از نوع قضائی هستند. جایی نمی بینیم که وظایف اداری و اجرایی داشته باشد و در بحث زندان ها هم بیشتر اصلاح مجرمین مطرح است.

همچنین در خصوص مهر حکومتی گشت برگه ثبت بیان فرمودند: می گویند برگه ثبت پشتش مهر حکومتی دارد و صرفاً اجرایی و اداری نیست. چهار واقعه مهم انسان تولد، ازدواج، طلاق و ازدواج در ادارات ثبت احوال و زیر نظر وزارت کشور ثبت می شوند. ازدواج مگر واقعه کم اهمیتی است. مگر این برگه ها عقبه های سبکی دارند. پرونده های نفقه و ابوت و بنوت و طلاق و... میزان شان بیشتر از پرونده های ثبت اسناد است. در این پرونده ها ثبت احوال رأی صادره توسط دادگاه را اجرا می کند. در موافقین بحث این است که ثبت اسناد چه عایدی برای قوه قضائیه دارد؟ ایشان معتقدند بود و نبود قاضی چه در هیئت ها و چه در ریاست و ادارات کل هیچ تأثیری غیر از اتلاف منابع ندارد.

همچنین در مقام دفاع بیان فرمودند من در بحث دفاع از موضوع به تثبیت مالکیت مردم، به جلوگیری از فشار سیاسی در نقل و انتقال اراضی، در حفظ اراضی طبیعی و ملی تأکید دارم. قوه قضائیه هم بیشتر منابع عمومی و انفال را مدنظر دارد و گرنه حقوق خصوصی در همه جا قابل پیگیری می باشد. من هیچ ایراد شرعی هم نمی بینم و معتقدند انتزاع این سازمان از قوه قضائیه موجب تزلزل می گردد.

مدیر نشست در پاسخ به برخی ایرادات بیان کردند: در خصوص بودن قاضی در این هیئت ها بحث به این سادگی نیست. اعتراض به رأی این هیئت ها الان یک مرحله ای شده است و در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری رسیدگی می شود. حالا شعب تجدیدنظر دیوان باید به آرای رسیدگی نمایند که توسط قاضی صادر

نشده‌اند و این موجب تضییع حقوق عامه است.

ایشان در انتهای صحبت‌های خود فرمودند به همان عللی که مجلس گفته می‌خواهد سازمان ثبت را جدا کند، به همان علل اگر سازمان ثبت از زیر نظر قوه قضائیه جدا نشود، بهتر است و حفظ مالکیت می‌شود.

دکتر بهرام حسن‌زاده

ایشان در ابتدا در خصوص روند تصویب لایحه سخن گفتند: این مصوبه مجلس یک مصوبه حقوقی تلقی نمی‌شود. روند مصوبه نشان می‌دهد لایحه پیشنهادی برنامه هفتم که توسط دولت ارائه شده هیچ‌گونه پیشنهادی مبنی بر انتزاع سازمان ثبت نداشته و بنابراین پیشنهاد دولت نبوده و این پیشنهاد کمیسیون کشاورزی بوده است. مجلس محترم ما هیچ سند پشتیبان و مطالعاتی در مورد این بند نداشته است. بحث مهمی مثل انتزاع را به این راحتی در عرض یک دقیقه چطور تصویب می‌کنند. کمیسیون کشاورزی معتقد بود به خاطر حد نگاری و مدیریت اراضی سازمان ثبت اسناد باید جدا شود، اینها فقط بعد املاک را در نظر گرفته‌اند در حالی که سازمان ثبت اسناد و املاک وظایف گسترده‌ای دارد خودش یک مجموعه قضائی است. خودش یک سازکار مفصلی دارد.

ایشان در ادامه در خصوص بحث حد نگاری بیان کردند که اگر مشکل حد نگاری و املاک بود، مسیر را اشتباه رفتند. ما ۴۰ مجموعه داریم که مدیریت اراضی و املاک را بر عهده دارند مانند سازمان ملی و مسکن، وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن و مستضعفان و بنیاد علوی و سازمان اوقاف و ... خیلی از اراضی مان هنوز معلوم نیست که اوقاف هستند یا نه. ۵ میلیون هکتار از زمین‌های ما این مشکل را دارند. اگر دنبال حل مشکل هستید ابتدا در مجموعه خود این را حل کنید. خود جهاد کشاورزی یک مجموعه سازمان منابع طبیعی و یک سازمان امور اراضی دارد که ۲ میلیون هکتار با هم اختلاف دارند، نه مردم می‌توانند سند بگیرند و نه جزو انفال محسوب می‌شود. می‌خواهم بگویم مراحل تقنین برای تصویب این قانون اصلاً رعایت نشده است.

در ابلاغ سیاست‌های مقام معظم رهبری در بند ۶ گفته بحث حد نگاری باید توسط قوه قضائیه صورت گیرد. در سند تحول باز این مورد اشاره واقع شده است. در

حالی که می‌بینیم مجلس خلاف آن عمل می‌کند. ایشان در ادامه در خصوص نظام حاکم بر ثبت اسناد کشور بیان فرمودند که ما ۶۲ کشور را بررسی کردیم. اگر بگوییم الگوی ما مثل آمریکا است، کارکرد سازمان ثبت اجرایی و اداری خواهد بود. ولی اگر بگوییم کارکرد اثباتی، ثبوتی و اجرایی دارد مثل کشور سوئیس و آلمان خواهد بود که الگوی ما بیشتر این کشورها بوده است. نظام ثبتی ما کارکردهای اثباتی و ثبوتی و اجرایی دارد. پس ما باید به نظام رومی ژرمنی رو بیاوریم. حال با این انتزاع ما می‌خواهیم نظام ثبتی خود را از نظام کشورهای آلمان و سوئیس به سمت نظام آمریکا ببریم؟ در این صورت باید کلاً نظام خود را نیز به لیبرال تغییر دهیم.

ایشان در انتهای نشست اعلام کردند که یکی از مباحثی که در مجلس در زمان تصویب این طرح مطرح و از آن دفاع شد این بود که سازمان ثبت اسناد و املاک بحث فناوری اطلاعاتش را به سایر دستگاه‌ها نمی‌دهد. قسمت‌های مختلف دولت به ما فشار می‌آورد که اطلاعات املاک مردم را به پلتفرم‌هایی مثل دیجی کالا و دیوار و... بدهید. ۷۰ درصد سیستم بانکی ما هک شده است.

دبیر نشست در خصوص فرمایشات دکتر حسن‌زاده بیان داشتند که هر قانونی فقط یک جنبه حقوقی ندارد و دارای جنبه‌های مختلفی می‌باشد که شاید حقوق آخرین جنبه باشد. بند ۹ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری به‌درستی برای قانون‌گذار تعیین تکلیف کرده است.

گزارش نشست بررسی تطبیقی سیر تقنینی مشارکت عمومی و خصوصی P.P.P

تهیه‌کننده گزارش: خانم فاطمه طباطبایی نیک (وکیل و فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حقوق خصوصی)

ارائه کننده: دکتر مهدی مهدوی زاهد، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

سخنرانان (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر مهرباب داراب‌پور، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
دکتر علی زارع، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات
دکتر عبدالحسین شیروی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
دکتر مجید غمامی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
دکتر سید عرفان لاجوردی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز
دکتر حسین منوری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد شهرقدس
دکتر مهدی هداوند، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

دبیر علمی: دکتر امیر شایگان فر، پژوهشگر پژوهشکده حقوقی شهردانش
زمان برگزاری: دوشنبه ۲ بهمن ماه ۱۴۰۲، ساعت ۱۴

دکتر عبدالحسین شیروی:

۱. مشارکت در اینجا به معنای خاص شریک شدن نیست بیشتر به معنای همکاری است. ما در نظام حقوقی با تمرکز دولت قرار گرفتیم و دولت حاضر نیست پای خود را از فعالیت‌های اقتصادی بیرون بکشد و چون نمی‌تواند بیرون بکشد و خارج شود در واقع راه حل این است که به سمت مشارکت‌های عمومی خصوصی برود.
۲. مشارکت عمومی و خصوصی دو بخش دارد که یک بخش آنکه ناگزیر از دولت است و بخش دیگر را بخش خصوصی می‌تواند تقبل کند.
۳. وقتی از مشارکت صحبت می‌کنیم از یک قرارداد خاص حرف نمی‌زنیم چون یک طیفی از قراردادهاست که تحت عنوان مشارکت عمومی و خصوصی دسته‌بندی می‌شوند که بی‌اوتی و خانواده آن این وسط قرار دارند.
۴. مشکل مشارکت‌های عمومی خصوصی این است که باید با یک دستگاه بروکرسی اداری قرارداد بست که خود مانع اصلی در انعقاد آن است.
۵. فرض قرارداد این است که یک طرف دولت و یک طرف بخش خصوصی است.
۶. در قوانین گوناگون دولت تلاش می‌کند به این سمت برود اما در واقعیت موفق نبوده و من دولت را موفق نمی‌دانم حتی اگر این لایحه تصویب می‌شد زیرا اولین مانع این است که دولت هر شرایطی را که دوست دارد تحمیل می‌کند و باید نهادهایی مستقل برای این کار به وجود آید مانند آنسیترال.
۷. قراردادهای p.p.p اسامی گوناگونی دارند که همگی مذاکراتشان طولانی است و سلیقه‌ای اند که دستگاه‌های دولتی در این قراردادها قرار می‌دهند و شرایط را برای بخش خصوصی دشوار می‌سازند.

دکتر علی زارع:

۸. لایحه از آن چیزی که در قانون نمونه آنسیترال مطرح شده خیلی فاصله ندارد.
۹. هدف از این لایحه این است که ما بتوانیم ارتباط بین بخش خصوصی و عمومی را ایجاد کنیم و دولت فقط بحث تصدی‌گری را نمی‌خواهد اعمال کند بلکه دوست دارد خودش داخل جریان‌ات ورود پیدا کند.
۱۰. بهتر است بخش خصوصی دغدغه‌های خود را مطرح کند. اگر دولت بخواهد در

ایجاد بخش خصوصی سازی نظارت کند و ناظر این مسئله باشد معمولاً دچار نتایج مناسبی نخواهد شد.

۱۱. مشارکت‌های واقعی را ما در سال ۹۸ دیدیم بخش خصوصی نبود و کل مردم بودند و نشان می‌دهد که اگر عزم دولت در این زمینه باشد به راحتی می‌تواند این کار را انجام بدهد.

۱۲. شرکت تعاونی سهامی نمونه‌ایست در این زمینه که می‌تواند موفق عمل کند. دکتر مهدی هداوند:

۱۳. امروزه در واقع داریم وارد یک ساحت جدید می‌شویم که قرار است بین بخش عمومی و خصوصی شراکتی اتفاق بیفتد.

۱۴. دو دیدگاه در این خصوص وجود دارد یا شراکت عمومی خصوصی را شکلی از پیمانکاری بدانیم یا آن را به خصوصی سازی ملحق کنیم ولی واقعیت این است که نه طبیعت خصوصی سازی را دارد نه طبیعت پیمانکاری و یک دنیای جدیدی است. ۱۵. جنبشی در حوزه مدیریت دولتی یا اداره عمومی دنیا اتفاق افتاده است و به جای اینکه مأموریت‌ها را بسپاریم به نهادی مانند وزارتخانه یا سازمان‌های وابسته، آن را به یک نهاد مستقل واگذار می‌کنیم. فاصله میان بخش عمومی و خصوصی در ایران زیاد است.

۱۶. پیش‌بینی بدبینانه بنده این است که چیزی که در قالب قراردادهای مشارکت عمومی و خصوصی تا الان طراحی شده است کلید یک پتانسیل جدید برای یک فساد جدید است که حداقل ۴ دهه کشور را درگیر خودش خواهد کرد.

۱۷. اگر برنامه‌ریزی با جدیت در این حوزه انجام نگیرد تمام معضلاتی که در جریان خصوصی سازی اتفاق افتاد اینجا هم اتفاق می‌افتد و اگر خیلی قاعده گذاری انجام دهیم بخش خصوصی تمایلی به ورود ندارد.

۱۸. در حوزه خدمات عمومی چند اصل داریم از جمله رایگان بودن خدمات عمومی، فلذا برای جلوگیری از قطع ارائه خدمت عمومی به صورت برابر و رایگان به مردم جنبه اجتماعی آن را تقویت کردند.

دکتر حسین منوری

۱۹. ما مداخلات دولت در اقتصاد را می‌توانیم به دو دسته بازاری و نابازاری تقسیم

کنیم. ما در کشوری از نمادهای مداخله نابازاری حداکثری دولتی هستیم که بخش خصوصی از عهده آن برنمی‌آمد و دولت به عنوان پیشران نخست سرمایه‌گذاری می‌کرد.

۲۰. برای فهم مراد مقنن تطبیق با قانون نمونه آنسیترال می‌تواند کمک‌کننده باشد، بر اساس ماده ۱ قانون نمونه آنسیترال جنبه اجتماعی کم‌کم دارد وارد اهداف می‌شود اما برداشت در لایحه ۱۴۰۱ این است که دولت امکانات و اموالی دارد که می‌خواهد آن‌ها را به سودآوری برساند (مولدسازی) و چون سودآوری ندارد نمی‌خواهد که بخش دولتی وارد آن گردد.

۲۱. نامشخص بودن مرز عمومی و خصوصی در نظام حقوقی ایران در سیر تصاعدی قوانین حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی دولت در ۲۰۱۰ سال اخیر است.

هنوز آثار نظریه شخصیت حقوق عمومی در قانون را به شکل واضح نمی‌بینیم که وضعیت بسیاری از اشخاص که در این میانه قرار گرفتند نامشخص است.

چیزی که قرار است اتفاق بیفتد مشارکت دولتی عمومی است اگر با ارفاق وضعیت بخش بزرگی از اقتصاد کشور را در اختیار همین صندوق‌های سرمایه‌گذاری است را با بخش عمومی بدانیم آن وقت نهایتاً می‌توانیم بگوییم آن چیزی که دارد تصویب می‌شود بیشتر بحث مشارکت دولتی و عمومی است.

دکتر مهربان داراب‌پور؛

۲۲. در مقایسه مشارکت عمومی خصوصی بین لایحه ۱۳۹۷ و قانون نمونه آنسیترال باید گفت چرا در این لایحه نحوه واگذاری پروژه‌ها به بخش خصوصی را مسکوت گذاشته‌اند.

۲۳. نگاه دیگری که لایحه دارد یک نگاه کارفرمایی پیمانکاری است.

۲۴. ما از تجارب دیگر کشورها استفاده نکردیم مهم این است که بتوانیم از تجارب کشورهای دیگر استفاده کنیم. ما در حدود نیم قرن چیزی حدود ۸۰۰ سال پیشرفت در واپس‌گرایی از منظر حقوقی داشتیم. اگر تمامی دانشمندان جمع شوند و هیچ مانعی برای این‌ها به وجود نیاید بهترین قانون را بگذارند ۴۰ سال دیگر طول می‌کشد که به امارات و دبی برسیم زیرا نحوه قانون‌گذاری ما را به ۸۰۰ سال عقب برده و تا این طرز فکر وجود داشته باشد این مصیبت ادامه خواهد داشت.

۲۵. گاهی نگاهمان به مشارکت عمومی و خصوصی نگاه سرمایه‌داری است و گاهی خصوصی‌سازی است که می‌خواهیم اموال دولت را برای خودی‌ها استفاده کنیم. اگر دولت به بعضی کارها اقدام کند و وضعیت را خودش بخواهد درست کند نمی‌تواند دولت توسعه‌گر باشد.

دکتر عبدالحسین شیروی:

۲۶. ما جایی ایستادیم که خطر جدی ما را تهدید می‌کند که هرچه بایستیم خطر ما را از بین می‌برد. در وضعیت فعلی دولت پول و امکانات و درآمد نفتی سرشار ندارد که پیمانکار گردد و حتی مخل امنیت است و کشور در بخش‌های زیادی آمادگی خصوصی‌سازی ندارد و با اشکالاتی مواجه است.

۲۷. باید حداقل از پروژه‌هایی که نفعشان ۱۰۰ درصدی است شروع کنیم دولت همیشه در قراردادهای دخالت می‌کند و ریسک‌ها را زیاد می‌کند و با تأیید کردن سبب کند کردن کارها می‌گردد.

۲۸. علت پیشرفت کشورهایمانند چین این است که زمانی که یک قانونی را وضع می‌کنند پشت به آن اعتقاد دارند و بهش عمل می‌کنند حتی اگر به ضرر آنها باشد.

۲۹. فرم‌های قرارداد برای این است که زمینه‌ای ایجاد بشود نه اینکه صرفاً فرم قرارداد درست نماییم بیشتر افرادی که این‌گونه قراردادها را وضع کرده‌اند هم خود را جای کارفرما می‌گذارند و هم پیمانکار حالا p.p.p هم به همین مسئله دچار خواهد شد.

دکتر علی زارع:

۳۰. هدف از این لایحه این است که دغدغه‌ها را کم کنیم نمونه‌های پایلوت خارجی به این موضوع ما خیلی کمک کردند. سیاست‌های کلی نظام در زمینه هر قراردادی که می‌خواهیم به آن نگاه کنیم باید ساب تایتل ما باشد تا گام بلند دیگری برداریم که به عنوان هدف کلی مطرح کردم.

دکتر مهدی هداوند:

۳۱. برای تصویب قانون باید به چند نکته اساسی توجه کرد اول اینکه در قانون باید مفاهیم خیلی شفاف شوند.

۳۲. محصول دوم آن چیزی است که از قراردادهای تیپ یا همسان از آن‌ها بحث می‌شود. یعنی قرارداد تنظیم شده که یک نهاد متفاوتی از قراردادهای خصوصی تجاری و حتی قرارداد عقد الحاقی است. این رگولاتور کانتراکت‌ها می‌تواند بزرگ باشد و می‌تواند خیلی مختصر باشد. جایی می‌توان قرارداد نمونه خیلی مختصری ایجاد کرد که پشوانش رگولیشن باشد یعنی مقررات وجود داشته باشد.

دکتر حسین منوری:

۳۳. آن چیزی که قرار است به آن برسیم مشارکت عمومی خصوصی نیست و من فکر می‌کنم به سمت مشارکت دولتی عمومی می‌رویم. با نگاه به حجم واقعی بازار می‌بینیم در اختیار دولت یا شبه‌دولتی است که در این مرحله باید با تصویب این لایحه در چارچوب فعلی مخالفت کنم.

۳۴. اساساً لازمه هر تجویزی برای اقتصاد ایران تعیین تکلیف پدیده شخص حقوقی حقوق عمومی است وگرنه تعارض منافع این نهادها سبب می‌شود که قانون را از مسیرش خارج کند.

دکتر مهرباب داراب پور:

۳۵. قانون و وضع مقررات برای زمانی است که تمام مقتضیات آن قانون موجود و تمام موانع آن مفقود باشد. اگر تمام شرایط را مهیا کنیم اما اگر اقتصاد همین اقتصاد ناکارآمد باشد و سیاست همین سیاست تنش‌زا و تنش‌آفرین باشد این قوانین به درد نمی‌خورد. زمانی لایحه به درد می‌خورد که سیاست تنش‌زا نباشد و اقتصاد هم کارآمد باشد.

۳۶. برای جلوگیری از تزلزل اقتصادی و ممانعت از نزول جایگاه اقتصادی ایران اول از هر چیز اصلاح سیاست اقتصادی و تعامل جهانی مهم است حتی اگر لایحه نباشد. بنا بر فرمایشات دکتر هداوند یک نگرانی وجود دارد که استفاده رایگان از خدمات عمومی و برابری استفاده از آن‌ها اصول مهمی است که باید رعایت کردند من هم موافقم منتها نباید این دو اصل ما را بترسانند که مردم را در فقر نگه داریم.

دکتر سید عرفان لاجوردی:

۳۷. من با اصل وجود لایحه موافقم استدلال هم استدلال حقوق عمومیست. قراردادهای دولتی تابع ماده ۱۰ قانون مدنی نیستند. قراردادهای دولتی تابع ماده

۲۱ قانون برنامه و بودجه هستند و باید کاملاً منطبق با قانون باشد. در قرارداد دولتی شرط اباحه وجود ندارد که بگوییم کلیاتی تعریف شده و مابقی را بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی اضافه می‌کنیم. بنابراین برای انعقاد مشارکت عمومی خصوصی مبنای قانونی را لازم داریم و اگر نباشد بخش دولتی اجازه نخواهد داشت که یک قرارداد دولتی را بر مبنای ماده ۱۰ منعقد نماید که این قرارداد بی‌مبنا می‌شود و به نظر من اصل وجود لایحه ضروری است.

۳۸. هدف از پروژه‌های عمومی و خصوصی بالا بردن کیفیت بهره‌برداری نیست و هدف اصلی بالا بردن کیفیت ساخت در نتیجه این است که زنگوله دوره بهره‌برداری گردن سازنده است که ما این هدف را نداریم. هدف اصلی در ایران پنهان کردن کسری بودجه است به همین دلیل اساساً مقررات مشارکت عمومی و خصوصی در تبصره‌های قانون بودجه پیش‌بینی شده و آیین‌نامه اجرایی آن هم آیین‌نامه اجرایی قانون بودجه است یعنی ما یک بدهی پنهان را ایجاد می‌کنیم. اگر این قراردادها به عنوان روش تأمین مالی ایجاد شوند باردار ایجاد بدهی‌های سنگین دولتی هستند چه در مورد کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه.

۳۹. در این لایحه یک چیزی که روشن شده است این است که به این قرارداد کسورات تأمین اجتماعی تعلق نمی‌گیرد این قرارداد پیمانکاری نیست و مشمول ماده ۳۸ نیست اما در آیین‌نامه‌های دیگر که نگاه می‌کنیم خلاف آن ذکر شده است. چیزی که راجع به آن شفاف صحبت نمی‌کنیم سرقفلی است. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که به هیچ وجه جذابیت سرمایه‌گذاری خارجی نداریم زیرا ما در مقایسه با کشورهای عرب در و مجاور خلیج فارس هرگز اولویت سرمایه‌گذاری خارجی نبوده ایم. یک دلیل دیگر هم این است که چه کسی حاضر است حقوق ریالی بیشتری را بپذیرد در مقابل حقوق دلاری کمتر زیرا افق دید این است که ارزش افزایش ارزش پیدا می‌کند. تمام پروژه‌های موفق سرمایه‌گذاری در ایران پروژه‌های صادراتی بوده‌اند آن چیزی که شخص به دست می‌آورد در این لایحه مغفول مانده است پس تصریح به اینکه حق سرقفلی این کسب و کار متعلق است به بخش خصوصی و اگر مصادره در موردش اتفاق بیفتد این مصادره معمولاً مصادره پنهان است. اگر لایحه به صراحت سرقفلی را برای بخش خصوصی به رسمیت می‌شناخت

دست‌کم بخشی از کاهش ارزش دارایی که در نتیجه تورم در کشور ما اتفاق می‌افتد مدیریت می‌شود.

۴۰. اگر قیمت‌گذاری را از محصول قراردادهای p.p.p برداشتیم و حق سرقفلی را شناسایی کردیم مطمئنم بیش از نیم درصدی که در این قانون پیش‌بینی شده برایش تحقق پیدا می‌کند که تحقق هم پیدا کرده است.

۴۱. با قراردادهای تیپ از یک جهت مشکل دارم اگر بخواهد به عینیت فرمت قراردادهای سازمان برنامه منجر شود کار درستی نخواهد بود زیرا این همه فرمت استاندارد در جهان وجود دارد ما چرا خودمان آن را نوآوری کردیم. من یکی از مخالفان جدی قانون مناقصات هستم. واگذاری قرارداد مشارکت عمومی خصوصی با قانون مناقصات امکان‌پذیر نیست یک روش کمی و غیرقابل اندازه‌گیری است. آیین‌نامه ارجاع می‌دهد به قانون مناقصات و قانون مناقصات هم ارجاع می‌دهد به قراردادهای تیپ.

روزنامه رسمی

تنقیح: نعیمه درویشی

در این بخش آخرین قوانین، مقررات، آرای وحدت رویه، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های منتشر شده در روزنامه رسمی کشور در دسترس مخاطبین قرار خواهد گرفت. با کلیک یا لمس عنوان هر بخش می‌توانید به متن کامل آن در سایت باشگاه اندیشه‌های حقوقی دسترسی داشته باشید.

الف- آرای وحدت رویه دهه اول بهمن ۱۴۰۲

- رأی شماره ۲۴۵۸۹۲۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: شرط (ج) بخشنامه شماره ۱۳۸۵/۶/۲۷ مورخ ۲۱۲۵/۲۱۱/۲۴۸۳۱ مورخ ۱۳۸۵/۶/۲۷ و بخشنامه شماره ۷۹۵۱/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۰/۴/۶ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور در خصوص تعیین سقف پذیرش نرخ سود تسهیلات خارجی به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی ابطال نشد.

- رأی شماره ۲۴۵۹۰۵۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند (۲) نامه شماره ۲/۴۳۰۶۹ مورخ ۱۳۹۷/۳/۱ معاون آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که مقرر داشته «موضوعاتی که در آئین‌نامه یکپارچه آموزشی دوره‌های تحصیلی

- رأی شماره ۲۶۱۷۰۷۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ماده ۱۴ از تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۴۰۱ مصوب شورای اسلامی شهر سمنان تحت عنوان تعمیرات ساختمان و اصلاح نما از تاریخ تصویب ابطال شد.

- رأی شماره ۲۶۱۷۰۸۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ماده ۱۸ و تبصره‌های ۱ و ۲ از بخش سوم با عنوان ضوابط فنی و کالبدی تابلو معرف کاربری ساختمان‌ها از مصوبه شماره ۳۸۹۵-۱۶/۵/۱۳۹۰ شورای اسلامی شهر کرج ابطال شد.

- رأی شماره ۲۶۱۷۰۹۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اطلاق قسمت مورد شکایت از بند ۱ ماده ۱۰ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۴۰۱ مصوب شورای اسلامی شهر اردبیل در خصوص افزایش و تفکیک عرصه قبل از سال ۱۳۹۰ ابطال شد.

- رأی شماره ۲۴۵۸۸۷۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: تبصره ۱ ماده ۲ بخشنامه شماره ۴۵۲۶۰/۹۹/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ سازمان حفاظت محیط زیست که بر اساس آن در صورتی که نیروهای یگان حفاظت به پست‌های مدیریتی شهرستان‌ها منصوب گردند و...

- رأی شماره ۲۴۵۹۰۸۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: تبصره‌های ۵ و ۸ ماده ۲۴ از تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۴۰۱ مصوب شورای اسلامی شهر قم در خصوص تفکیک اراضی ابطال شد.

- رأی شماره ۲۴۵۹۱۴۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ماده ۱۳ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۴۰۱ مصوب شورای اسلامی شهر ارومیه تحت عنوان عوارض و بهای سهم خدمات از املاک قراردادی (فاقد سند شش دانگ) که بدون مجوز و اخذ پروانه ساختمانی احداث گردیده‌اند از تاریخ تصویب ابطال شد.

- رأی شماره ۲۴۵۹۳۸۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: شرط سن و معدل از شرایط آگهی استخدامی مقطع درجه‌داری و افسری در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۲ ابطال شد.

- رأی شماره ۲۴۵۹۴۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند (۲۶-۱) ماده ۲۶ تعرفه عوارض محلی سال ۱۴۰۰ و بند (۲۵-۱) ماده ۲۵ تعرفه عوارض محلی سال ۱۴۰۱ مصوب شورای اسلامی شهر تبریز تحت عنوان بهای خدمات ایمنی و آتش‌نشانی ابطال شد.

- رأی شماره ۲۴۵۹۴۴۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اطلاق فراز دوم تصویب‌نامه شماره ۹۶۲۲۳/ت ۵۴۳۵۹ هـ مورخ ۱۳۹۶/۸/۶ هیأت وزیران که بر اساس آن وزارتخانه‌های راه و شهرسازی و جهاد کشاورزی، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران و سایر دستگاه‌های اجرایی به استثنای سازمان اوقاف و امور خیریه موظفند در اجرای...
...

- رأی شماره ۲۴۵۹۳۶۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بر مبنای جواز حاصله از بند (ب) ماده ۸۴ قانون دیوان عدالت اداری ضمن نقض رأی شماره ۴۰۱۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۲۹۱ مورخ ۱۴۰۱/۵/۱۱ هیأت تخصصی فرهنگی، آموزشی و پزشکی دیوان عدالت اداری، تبصره ۱ از بند ۲ شرایط اختصاصی هجدهمین فراخوان جذب و استخدام عضو هیأت علمی پیمانی سال ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ابطال شد.

- رأی شماره ۲۴۵۹۴۹۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بر مبنای جواز حاصل از بند (ب) ماده ۸۴ قانون دیوان عدالت اداری ضمن نقض رأی شماره ۴۰۲۳۱۳۹۰۰۱۸۵۸۰۲۷ مورخ ۱۴۰۲/۷/۲۲ هیأت تخصصی مالیاتی، بانکی دیوان عدالت اداری اطلاق رأی شماره ۳۰/۴/۵۴۷۱ مورخ ۱۳۷۵/۵/۱۷ شورای عالی مالیاتی در خصوص مطالبه مالیات بر درآمد از فرآیند تسعیر نرخ ارز داری‌های ارزی فروش نرفته شرکت‌های دولتی ابطال شد.

- رأی شماره ۲۵۲۴۰۳۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: نامه شماره ۴/۱۱۲۸۸۵ مورخ ۱۴۰۱/۹/۷ رئیس سازمان امور دانشجویان که مقرر داشته هزینه‌های لغو تعهد خدمت آموزش رایگان دانشجویان و دانش‌آموختگان سنوات گذشته که قصد لغو تعهد خدمت آموزش رایگان را از تاریخ ۱۴۰۱/۹/۷ دارند باید مطابق جدول تعرفه ابلاغی جدید پرداخت گردد ابطال نشد.

- رأی شماره ۲۵۲۴۱۳۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: تصویب‌نامه‌های

محرمانه شماره ۰۱/۴۲۴۹۰/م/ت/۶۰۵۸۷ هـ مورخ ۱۴۰۱/۱۸/۲۴، شماره ۰۱/۴۶۱۲۷/م/ت/۶۰۵۸۷ هـ مورخ ۱۴۰۱/۹/۱۲ و شماره ۰۱/۵۴۳۳۷/م/ت/۶۰۷۶۰ هـ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۸ هیأت‌وزیران که بر اساس آنها واردات یک دستگاه خودروی سواری به نام هر یک از بازیکنان و کادر فنی تیم ملی فوتبال در قالب کالای همراه مسافر مجاز اعلام شده از تاریخ تصویب ابطال شد.

رأی شماره ۲۵۲۴۴۰۰ هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ردیف ۱۸ مصوبه مورخ ۱۴۰۱/۳/۳۰ سومین جلسه کمیسیون نظارت استان قم در زمینه نظارت و بازرسی از تاریخ تصویب ابطال شد.

- رأی شماره ۲۵۲۴۸۱۵ هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند ۴ و تبصره ذیل آن از فصل سوم سیاست اعتباری (ارزی-ریالی) سال ۱۴۰۱ بانک ملی ایران ابطال نشد.

- رأی شماره ۲۵۲۴۸۴۸ هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: مصوبه‌های شماره ۲۸/۰۱/۲۸۹ مورخ ۱۴۰۱/۱/۳۰ و شماره ۲۸/۰۱/۵۲۶ مورخ ۱۴۰۱/۲/۱۱ شورای اسلامی شهر اصفهان با موضوع افزایش نرخ آب‌بهاء و کارمزد دفع فاضلاب شرکت آب و فاضلاب اصفهان از تاریخ تصویب ابطال شد.

- رأی شماره ۲۵۲۴۹۰۵ هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اطلاق بند ۷ دستورالعمل اجرایی نام‌خانوادگی شماره ۵۴/ش ۴ مورخ ۱۳۸۰/۷/۵ مصوب شورای عالی ثبت احوال که مقرر داشته تغییر نام‌خانوادگی فرزندان کمتر از ۱۸ سال به درخواست پدر خواهد بود، در حد مقرر در نظریه فقهای شورای نگهبان خلاف شرع شناخته شد و بطلان آن از تاریخ تصویب اعلام شد.

- رأی شماره ۲۵۲۴۹۸۳ هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: با اعمال ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری نسبت به رأی شماره ۴۳۱ مورخ ۱۴۰۱/۳/۱۰

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موافقت گردید و بر این اساس تبصره ۲.
- رأی شماره ۲۵۲۵۰۳۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: تعرفه شماره
۱۱۱۹ از دفترچه عوارض شهرداری کاشان با عنوان عوارض تفکیک اراضی قبل از
سال ۱۳۹۰ مصوب شورای اسلامی شهر کاشان از تاریخ تصویب ابطال شد.

- رأی شماره ۲۲۶۹۵۹۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: الف. بند ۲
بخشنامه شماره ۱۴۰۱/۸۲۱۴۳ مورخ ۱۴۰۱/۵/۸ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
راجع به لزوم تأیید ارزش گذاری آورده غیرنقدی از سوی کارشناس رسمی دادگستری

- رأی شماره ۲۵۸۶۷۴۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: عبارت « به
استثناء انواع شیر طعم‌دار» از ستون توضیحات ردیف ۸- ۴ صفحه ۹ فهرست عناوین
کالاها و خدمات معاف مندرج در ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده.

- رأی شماره ۲۵۸۶۷۸۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: تبصره ۲ ذیل
بند ۱ نمونه فرم جدید تحت عنوان آگهی مزایده نهایی ابلاغی طی بند ۲ بخشنامه
شماره ۱۴۰۱/۱۷۱۲۹۵ - ۱۴۰۱/۵/۲۹ اداره کل پشتیبانی و املاک پست بانک ایران
که ...

- رأی شماره ۲۵۸۶۹۰۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اعلام تعارض
در رابطه با موضوع شمول یا عدم شمول قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه
کارفرمایانی که حداکثر ۵ نفر کارگر دارند، رأی شماره ۱۶۵۰ - ۱۳۸۸/۹/۲۴ و ۳۲۴۴
- ۱۳۹۱/۱۱/۸ ...

- رأی شماره ۲۵۸۶۹۵۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بر مبنای
جواز حاصل از ماده ۹۱ قانون دیوان عدالت اداری (اصلاحی مصوب ۱۴۰۲/۲/۱۰)
ضمن نقض رأی شماره ۱۱۶ مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با
موضوع احتساب.

- رأی شماره ۲۵۸۷۰۳۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ماده ۳ دستورالعمل اجرایی ماده ۲۵۱ مکرر الحاقی ۱۳۷۱/۲/۷ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن (ابلاغی به شماره ۲۱۳۷۰۳ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۴

- رأی شماره ۲۵۸۷۱۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: کل مکاتبه شماره ۹۴/۸۰/۴/۶۹ مورخ ۱۳۹۴/۲/۳ استانداری گیلان که مقرر داشته با استفاده از اختیارات تفویضی استاندار، تأیید و صدور مرخصی و مأموریت شهرداران بر عهده فرمانداران است ابطال شد

- رأی شماره ۲۵۸۷۱۵۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: نامه شماره ۱۴۰۰۲۴۰۵۹۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۸ سرپرست دفتر خدمات عمومی وزارت صنعت، معدن و تجارت که بر اساس آن اعلام شده است که استعلام از شهرداری‌ها در مواردی ضرورت ندارد ابطال شد

ب- هیئت تخصصی دیوان عدالت اداری

- رأی شماره ۲۲۲۳۷۱۰ هیأت تخصصی مالیاتی، بانکی دیوان عدالت اداری با موضوع: مقرر شماره ۲۱۹۳۹/۲۰۰/ص مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۶ صرفاً در خصوص موارد مندرج در مقرر برای تبصره ۹ ماده ۵۳ ق.م.م. ۱۳۹۷ ابطال نشد

- رأی شماره ۲۲۲۶۰۱۶ هیأت تخصصی مالیاتی، بانکی دیوان عدالت اداری با موضوع: از زمان صدور شرط صدور صورتحساب جهت برخورداری بخشودگی جرایم و تسطیح بدهی برای مؤدیانی که جهت صدور صورتحساب الکترونیکی فراخوان گردیده‌اند به جهت مغایرت با بند ب ماده ۲۲ قانون پایانه‌های فروشگاهی و ...

- رأی شماره ۲۲۳۰۰۶۶ هیأت تخصصی مالیاتی، بانکی دیوان عدالت اداری با موضوع:

رأی شماره ۲۰۱/۱۸۴۹۴ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۳ شورای عالی مالیاتی در خصوص معافیت درآمد سازمان صدا و سیما از بابت پخش برنامه‌های تبلیغاتی و آگهی‌های بازرگانی ابطال نشد

- رأی شماره ۲۲۴۲۵۵۳ هیأت تخصصی مالیاتی، بانکی دیوان عدالت اداری با موضوع: کل بخشنامه ارائه‌شده توسط سازمان امور مالیاتی کشور به شماره ۲۰۰/۹۹/۱۶ مورخ ۹۹/۱/۳۱ صرفاً از حیث مغایرت ابطال نشد

- رأی شماره ۲۲۴۳۱۲۷ هیأت تخصصی مالیاتی، بانکی دیوان عدالت اداری با موضوع: مواد (۱- ۳) بخش اول و بند (۶ و تبصره ذیل آن) بخش دوم ضوابط تعیین ارزش اجاری عملکرد سال ۱۴۰۰ املاک شهر تهران) ابطال نشد

- رأی شماره ۲۲۶۱۸۱۳ هیأت تخصصی فرهنگی، آموزشی و پزشکی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابلاغیه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به دانشگاه‌ها در خصوص الزام به واکسیناسیون دانشجویان [ابطال بخشنامه شماره ۲/۱۶۳۵۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۷/۱۷ معاونت آموزشی وزارت علوم تحقیقات و فناوری که در ...

- رأی شماره ۲۲۶۲۲۶۳ هیأت تخصصی تخصصی فرهنگی، آموزشی و پزشکی دیوان عدالت اداری با موضوع: ۱- صورت جلسه کمیسیون تبصره ماده ۴ حفاظت در برابر اشعه مورخ ۱۳۹۷/۸/۱۴

رأی شماره ۲۲۶۲۳۶۴ هیأت تخصصی تخصصی فرهنگی، آموزشی و پزشکی دیوان عدالت اداری با موضوع: تصویب‌نامه شماره ۱۲۵۱۴/ت۶۱۰۳۵ مورخ ۱۴۰۲/۱/۲۹ ابطال نشد

- رأی شماره ۲۲۶۲۵۴۴ هیأت تخصصی تخصصی فرهنگی، آموزشی و پزشکی دیوان عدالت اداری با موضوع: مصوبه هفدهم صورت جلسه دومین نشست عادی هیأت

ب - سایر مصوبات

- دستورالعمل نحوه تعیین و پرداخت دستمزد میانجی‌گری

- دستورالعمل اجرایی بهبود حفاظت از حریم خصوصی کاربران و شیوه جمع‌آوری، پردازش و نگهداری اطلاعات کاربران در سامانه‌ها و سکوهایی فضای مجازی

تازه‌های باشگاه

همه عناوینی که با رنگ آبی مشخص شده اند قابل کلیک کردن هستند و با لمس یا کلیک بر روی آنها می‌توانید به صفحه اصلی محتوای مربوطه متصل شوید.

در این بخش از دوماهنامه اندیشه‌های حقوقی به معرفی محتوای جدیدی که در وبگاه باشگاه منتشر شده می‌پردازیم.

الف) گفتگوهای تحلیلی

یکی از گنجینه‌های هر حوزه‌ای از دانش بشری، تجربه زیسته، علمی، حرفه‌ای و اجتماعی بزرگان آن رشته علمی است. ثبت تجربیات چهره‌های برجسته علمی و یا چهره‌های شاخص حوزه دانشگاه و سیاست برای ترسیم تاریخ حقوق ایران و تکامل اندیشه حقوقی، یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که در باشگاه اندیشه‌های حقوقی به دنبال آن هستیم. در این بخش از باشگاه برخی از مهم‌ترین اندیشه‌ورزان، سیاست‌گذاران یا مجریان سیاست‌های حقوقی کشور هستیم تا با گفتگوهای تحلیلی نوری بر صفحات مهم تاریخ اندیشه‌های حقوقی بیافکنیم.

۱- گفتگوی تحلیلی با جناب دکتر افتخار جهرمی

در این گفتگوسعی شده تا به تجارب ارزشمند جناب دکتر افتخار جهرمی بپردازیم. ایشان از معدود حقوقدانانی هستند که تجارب و سوابق خدمت در حوزه‌های مختلف دارند. عضویت به عنوان یکی از حقوقدانان اولین دوره‌های شورای نگهبان قانون اساسی، اولین رئیس کانون وکلای دادگستری پس از انقلاب اسلامی، ریاست دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی و ریاست دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی از جمله سوابقی است که ایشان در کارنامه خود دارد.



۲- گفتگوی تحلیلی با جناب دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی

در این مصاحبه، آموزش حقوق در نظام آموزش عالی ایران از دیدگاه دکتر ضیائی بیگدلی که از صاحب‌نظران در این حوزه هستند و تأسیس و ریاست دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبائی را هم در کارنامه خود دارند مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد.



۳- گفتگوی تحلیلی با جناب دکتر محمد جواد ظریف

در این گفتگو به تجربه هشت ساله دکتر محمد جواد ظریف به عنوان وزیر امور خارجه ایران پرداختیم و در مورد برخی از چالش‌های حقوقی دوره وزارت ایشان پرسش‌هایی مطرح کردیم. از نقش حقوقدانان در تعیین و اجرای سیاست خارجه ایران پرسیدیم و تأثیر عملکرد وزارت امور خارجه بر زندگی مردم را مورد بحث قرار دادیم.



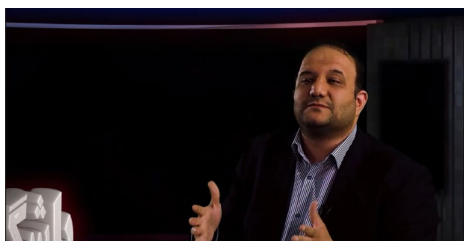
ب) گفتارهای حقوقی

حقوق یکی از محدود دانش‌های علوم انسانی است که علاوه بر ابعاد نظری و تحلیلی گسترده می‌تواند منجر به پیشه‌ها و حرفه‌های عملی متعدد نیز منجر شود. مقام‌های مختلف قضایی از جمله دادستان، بازپرس و دادرسان و قضات اجرای حکم در کنار حرفه‌هایی از جمله وکالت، میانجی‌گری، داوری، سردفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق، مشاورین حقوقی که در سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف مشغول به کار هستند، به علاوه مشاغل پژوهشی و آموزشی حقوقی، طیف گسترده‌ای از تجربیات در دانش حقوقی را شکل می‌دهند. اگرچه برخی از این تجربیات در قالب مقالات و کتاب‌ها و رساله‌ها مکتوب و منتشر می‌شوند اما بخش عمده‌ای از آن‌ها هیچ‌گاه فرصتی برای ارائه به جامعه (چه جامعه به طور کل و چه جامعه حقوقی) نمی‌یابند. بر همین اساس یکی از بخش‌های مهم و جذاب باشگاه اندیشه‌های حقوقی ارائه فرصتی به حرفه‌های حقوقی برای به اشتراک گذاشتن تجربیات متفاوت و آگاهی‌بخشی خود به جامعه است.

در این بخش از فعالیت‌های باشگاه اندیشه‌های حقوقی از حرفه‌های حقوقی مختلف دعوت می‌شود تا با مراجعه به استودیوی رسانه باشگاه، یک یا چند تجربه منحصر به فرد خود را در قالب یک ویدیو کلیپ، مطابق با شیوه‌نامه دبیرخانه باشگاه، با جامعه حقوقی به اشتراک بگذارند. وکیلی که متوجه چالش‌هایی در اجرای قوانین در دستگاه قضایی می‌شود، تجربه زیسته یک قاضی یا پرونده‌ای با موضوع ویژه که حاوی نکات مهمی برای عموم جامعه است، دستاورد بدیعی که در قالب یک رای خاص متجلی شده، ابتکار عمل یک میانجی‌گر در حل اختلافات شهروندان، تجربه یک پلیس در مواجهه هر روزه با مردم، طرح یک بحث نظری مهم توسط یک استاد حقوق و هر تجربه قابل توجه و جذابی که مبین عرصه‌های مختلف نظری و عملی رشته حقوق باشد، می‌تواند در بخش گفتارهای حقوقی مخاطب خود را پیدا کند.

(۱) موضوع: قرارداد کار (سخنران: دکتر وحید آگاه)

قرارداد کار در سه سبب تقسیم شده است: قرارداد کار دائم، موقت و معین. در خصوص تعریفی از قرارداد دائم می‌توان به قانون تأمین اجتماعی رجوع کرد. این قانون سن بازنشستگی را ۳۵ سالگی تعیین نموده است. قرارداد موقت را نیز قانون کار تعریف نکرده است و آخرین مورد قرارداد معین است که این نیز در قانون کار تعریف نشده است؛ این قرارداد مدت ندارد بلکه ملاک آن، انجام موضوع یا پروژه است.



(۲) موضوع: تاثیر حقوق بین الملل بر سایر شاخه‌های حقوقی (سخنران: دکتر سید قاسم

زمانی)

حقوق بین الملل مجموعه‌ای از اصول، قواعد و مقررات حاکم بر جامعه بین المللی است. جامعه‌ای که صرفاً متشکل از دولت‌ها نیست، سازمان‌های بین المللی، شرکت‌های فراملی، سازمان‌های غیردولتی، افراد، جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و دیگران نیز در زمره اعضای چنین جامعه‌ای محسوب می‌شوند. حقوق بین الملل اگر در گذشته در روابط محدود میان دولت‌ها در صحنه‌های جنگ و روابط دیپلماتیک و غیره محدود می‌شد امروز در قرن بیستم به تمام حوزه‌های زیست بین المللی تسری پیدا کرده است.



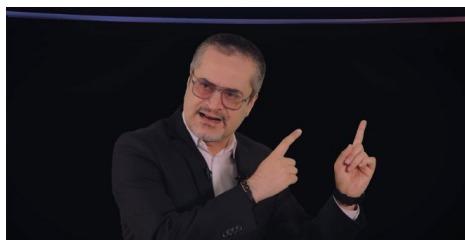
۳) موضوع: پیامدهای تعیین سقف افزایش نرخ اجاره واحدهای مسکونی (سخنران: دکتر کیوان صداقتی)

مهمترین پیامدهای مصوبه ستاد تنظیم بازار و سران قوا و طرح دو فوریتی مجلس موسوم به کنترل و ساماندهی اجاره بهای املاک مسکونی عبارتند از: افزایش خانه‌های خالی، تولید انبوه دعاوی حقوقی، سوق دادن مالکان به ارتکاب اقدامات غیر قانونی یا مجرمانه، مغایرت مصوبات مزبور با قوانین عادی یا عدم پشتوانه و مقبولیت عمومی. حداقل در سه مورد این سبک مقررات‌گذاری به اسم تنظیم بازار در نظام حقوقی ایران با شکست مواجه شده: مصوبه هیئت وزیران در دوران کرونا برای تعیین سقف افزایش مال الاجاره، تعیین دامنه نوسان در بورس، سقف قرارداد بازیکنان لیگ برتر فوتبال.



۴) موضوع: تکه‌تکه‌سازی جرم‌شناسی (سخنران: دکتر مهرداد رایجیان اصلی)

اصطلاح تکه‌تکه‌سازی در این ارائه به نوعی برگرفته از علم رایانه است و احتمالاً با مفهوم فرگمنت برخورد داشته‌اید. این اصطلاح به معنای متفرقه شدن داده‌ها است. این اصطلاح در آموزه‌های جرم‌شناسی به نوعی با تحولات جرم‌شناسی مرتبط است. به‌طور کلی چهار دوره تاریخی از ۲۰۰ سال پیش را می‌توان در جرم‌شناسی در نظر گرفت. دوره اول دوره رویش است و در این دوره شاهد بازقه‌های اولیه جرم‌شناسی در قالب مفهوم‌سازی‌های اولیه هستیم. دوره دوم دوره زایش است که مصادف با سده نوزدهم است و شاهد تولد جرم‌شناسی در قالب تئوری‌های پوزیتیویستی مشهور هستیم، در این دوره تکه‌تکه‌سازی جرم‌شناسی مشهود است.



۵) موضوع: رشته حقوق ساخت (سخنران: دکتر جواد حداد)

رشته حقوق ساخت یکی از رشته‌های تلفیقی حقوق با رشته‌های مهندسی می‌باشد. این رشته در دنیا حدود ۴۰ سال سابقه آکادمیک دارد. این رشته در دنیا ریشه در تاریخ نیز دارد؛ الواح حمورابی یکی از مصادیق آن است. در جهان مدرن بعد از جنگ دوم جهانی که دنیا ترمیم و بازسازی را آغاز نمود اهمیت این رشته پیش از قبل نمایان شد.



۶) موضوع: تجربه شغل قضاوت (سخنران: دکتر امین تویسرکانی)

دکتر امین تویسرکانی با نگاه خلاقانه و سوابق ادبی که در حوزه طنز داشته‌اند در دو کتاب از پشت میز عدلیه و وقتی اقیانوس وارد عدلیه می‌شود کوشیده‌اند تا تلقی سرد و خشکی که مردم عادی از حرفه قضاوت دارند را تا حدودی تغییر دهند. در اینجا نیز می‌کوشند انگیزه و هدف خود از پرداختن طنازانه به حرفه قضاوت را توضیح دهند. اینکه به عنوان قاضی چه درک و دریافت بدیعی از جهان و آدم‌ها پیدا کرده‌اند و شناخته شدن به عنوان قاضی چه چالش‌هایی در زندگی روزمره می‌تواند داشته باشد. همچنین برخی از مواجهه‌های جذاب خود به عنوان قاضی را نیز بازگو کرده‌اند.



پ) معرفی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های حقوقی

امروزه به دلیل گسترش گرایش‌های حقوقی در آکادمیا در سرتاسر جهان و محبوبیت بالای این رشته در ایران، با انبوهی از آثار و تألیفات حقوقی مواجهیم که در نشریات، انتشارات و دانشکده‌های مختلف منتشر شده و می‌توان از این وضعیت با عنوان شکلی از تورم تولید آثار در این رشته یاد کرد. در این میان به نظر می‌رسد سیاستی منطقی و علمی در ارزیابی آثار حقوقی حاکم نیست و تمایزی میان آثار به راستی و درستی پژوهیده وجود ندارد. از طرفی علیرغم پیشینه نسبتاً طولانی آموزش رشته حقوق در ایران، همچنان نمی‌توان مفهوم‌سازی بومی که برآمده از تاریخ، فرهنگ، شرایط زیسته کنونی و ضروریات زندگی اجتماعی ایران باشد را در این رشته علمی مشاهده کرد. به نحوی که گویی چندان جهد و کوششی در جهت اصالت ایده‌ها و برطرف کردن نیاز روز از طریق اندیشه بدیع و برتر حقوقی در فضای دانشگاهی ما صورت نمی‌گیرد. سیاست‌گذاران رسمی چندان تلاشی برای ترغیب پژوهشگران به طرح ایده‌های نو نمی‌کنند و مؤسسات پژوهشی مستقل نیز با محدودیت‌هایی که دارند، لزومی به اقدامی ملی در این زمینه نمی‌بینند.

شناسایی و پاس داشتن پژوهش‌ها و پژوهشگرانی که فراتر از انتظارات، زندگی خود را وقف طرح ایده‌های نو و کاربردی می‌کنند، علاوه بر تقدیر از افراد، منجر به ترویج نواندیشی و کمک به دیده شدن ارزش این چنین آثاری شده و امکان آشنایی افراد هرچه بیشتر با این ایده و آثار می‌شود. امری که ممکن است به دلیل کثرت آثار تولید شده منجر به فراموشی آثار و نگارش صرف برای کتابخانه دانشکده‌ها و نشریات شود. باشگاه اندیشه‌های حقوقی پژوهشکده حقوقی شهر دانش در این بخش از فعالیت خود تصمیم دارد که سهمی در معرفی پایان‌نامه‌های اصیل، بدیع و

کاربردی مقطع کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری داشته باشد.

۱) رساله دکتری: تقارن بین عناصر مادی و معنوی: مبانی و آثار

نام نویسنده: راضیه صابری

گرایش تحصیلی: حقوق جزا و جرم‌شناسی

استاد راهنما: حسین میرمحمدصادقی.

استاد مشاور: محمدعلی اردبیلی، جعفر کوشا

دانشگاه: دانشگاه شهید بهشتی تهران - دانشکده حقوق (سال: ۱۳۹۸)



۲) رساله دکتری: معرفت‌شناسی ارکان تعهد و تاثیر آن بر نظریه عمومی قراردادها

نام نویسنده: محمدرضا پنداشته‌پور

گرایش تحصیلی: حقوق خصوصی

استاد راهنما: سیدعلی علوی قزوینی، عبدالرضا علیزاده

استاد مشاور: سیدمصطفی محقق داماد، جلیل قنواتی

دانشگاه: پردیس فارابی دانشگاه تهران - دانشکده حقوق (سال: ۱۳۹۷)



۳ رساله دکتری: مبانی فلسفی جرم‌انگاری سقط جنین

نام نویسنده: مریم مهری متانکلانی
گرایش تحصیلی: حقوق کیفری و جرم‌شناسی
استاد راهنما: اسماعیل هادی تبار
استاد مشاور: سیدابراهیم قدسی
دانشگاه: دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (سال: ۱۳۹۴)



۴ رساله دکتری: نظام حقوقی مدیریت منابع آب با تأکید بر اصلاح ساختار حکمرانی،

مطالعه تطبیقی ایران، ایالات متحده آمریکا، هند، برزیل و اتحادیه اروپا

نام نویسنده: مسلم میری
گرایش تحصیلی: حقوق عمومی
استاد راهنما: دکتر محمدرضا ویژه
استاد مشاور: دکتر مهدی هداوند، دکتر علی محمد فلاح‌زاده
دانشگاه: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (سال: ۱۴۰۰)



۵- رساله دکتری: جایگاه داده و کلان داده در نظام حقوق اموال و مالکیت در ایران و

فرانسه

نام نویسنده: شیما عطار

گرایش تحصیلی: حقوق خصوصی

استاد راهنما: فرهاد پروین

استاد مشاور: یوسف قاسمی، محمدهادی میرشمسی

دانشگاه: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (سال: ۱۴۰۰)



۶- عنوان رساله: جایگاه حقوقی اصل توسعه پایدار در قراردادهای بالادستی نفت

نام نویسنده: مرجان فاضلی

گرایش تحصیلی: حقوق نفت و گاز

استاد راهنما: پرویز ساورابی، سید اصغر هندی

استاد مشاور: مسعود اربابی، نوید رهبر

دانشگاه: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق (سال: ۱۳۹۸)



۷- رساله دکتری: روش‌های حل تعارض میان منافع کنشگران فرایند جرم‌انگاری در

ایران؛ در پرتو نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی

نام نویسنده: دکتر سپیده میرمجیدی
گرایش تحصیلی: حقوق کیفری و جرم‌شناسی
استاد راهنما: آقای دکتر محمدجعفر حبیب‌زاده
استاد مشاور: آقای دکتر محمد فرجیها، آقای دکتر جلیل امیدی
دانشگاه: دانشگاه تربیت مدرس (سال: ۱۳۹۷)



۸- رساله دکتری: بررسی تطبیقی- تاریخی عوامل و موانع تحقق حاکمیت قانون (با

تأکید بر ایران)

نام نویسنده: فرهاد باباخانی
گرایش تحصیلی: جامعه‌شناسی
استاد راهنما: دکتر مسعود چلبی
استاد مشاور: دکتر محمدحسین زارعی
دانشگاه: دانشگاه شهید بهشتی (سال: ۱۳۹۶)



۹- رساله دکتری: رویکرد نظریه تنظیم‌گری پاسخگو به مداخله‌های عدالت کیفری در

جرایم علیه عفت عمومی در ایران

نام نویسنده: ایمان شاه‌بیدی

گرایش تحصیلی: حقوق جزا و جرم‌شناسی

استاد راهنما: دکتر محمد فرجیها (دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس)

استاد مشاور: دکتر جان بریت ویت (استاد تمام دانشگاه ملی استرالیا)، دکتر رحیم نوبهار (دانشیار

دانشکده حقوق شهید بهشتی)

دانشگاه: دانشگاه تربیت مدرس (سال: ۱۳۹۸)



ت) یادکست‌های حقوقی

امروزه بخش مهمی از دستاوردهای هر رشته علمی در قالب مقالات پژوهشی نگارش و منتشر می‌شود. در رشته حقوق با بیش از ۲۰ گرایش در مقطع ارشد و دکتری، بر اساس گزارش وزارت علوم حدود ۹۰ نشریه پژوهشی به ثبت رسیده است که قریب به اتفاق آن‌ها به صورت مستمر در حال فعالیت هستند و سالانه حدود ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ مقاله علمی-پژوهشی را منتشر می‌کنند. بر همین اساس معرفی مقالات حقوقی که ایده‌های مبتکرانه و جذابی را مطرح می‌کنند یکی از بخش‌های مهم فعالیت باشگاه‌های اندیشه‌های حقوقی است.

همچنین باید گفت یکی از بخش‌های مهمی که پژوهشکده حقوقی شهر دانش سال‌هاست به آن مبادرت می‌ورزد اقدام به فراهم آوردن گنجینه به روزی از مقالات

علمی نشریات معتبر جهان در کتابخانه آنلاین خود است که از طریق سایت پژوهشکده قابل دسترسی و عضویت است. در همین راستا معرفی و ترجمه مقالات بدیع، کاربردی و با ایده‌های اصیل و نوآورانه جهان یکی دیگر از اهداف باشگاه اندیشه‌های حقوقی است تا براساس به روزترین و جدیدترین و مهمترین یافته‌های نشریات معتبر جهان به جامعه حقوقی معرفی شده تا شاید انگیزه‌ای برای پژوهش در این عرصه‌ها در سطح داخلی نیز باشد.

از طرفی، امروزه پادکست‌ها یکی از قالب‌های مورد اقبال در عرصه تولید محتوا هستند که به دلیل استفاده گسترده از گوشی‌های هوشمند، این امکان را فراهم می‌آورند تا افراد در هر محیط و زمانی بتوانند محتوای مورد علاقه خود را از طریق آن دنبال کنند. باشگاه اندیشه‌های حقوقی برای معرفی مقالات علمی پژوهشی بدیع از قالب پادکست‌ها استفاده می‌کند. در این بخش از فعالیت‌های باشگاه، مقالات مورد نظر فارسی و انگلیسی به صورت نظام‌مند خلاصه شده و بیان مسئله، یافته‌ها و نتایج مهمی که هر مقاله می‌تواند برای جامعه حقوقی داشته باشد از طریق پادکست‌ها به مخاطبین علاقه‌مند منتقل می‌شود.

۱) پارلمان الکترونیکی و نقش آن در تحقق دموکراسی

نام نویسنده: سودا امیری زرگ‌آباد - سیدحسین ملکوتی هشتجین

نام مجله: پژوهش‌های حقوقی

دوره - شماره: دوره ۲۰ - شماره ۴۸ - اسفند ۱۴۰۰ - صفحه ۱۵۹-۱۸۴

گوینده: دکتر مهدیه وجدانی فخر

چکیده: در قرن حاضر نهاد پارلمان در تلاش است تا از فناوری‌های جدید، به منظور تحقق اهداف خویش بهره‌گیرد. این اهداف شامل شفافیت، تعامل و جلب مشارکت در فرایندهای پارلمانی اعم از نظارتی و تقنینی است. پارلمان الکترونیکی، شکل نوینی از پارلمان است که با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در پی شفافیت فعالیت‌های پارلمانی است. هدف اصلی پارلمان الکترونیکی ارائه یک راه‌حل مؤثر برای بهبود عملکرد این نهاد است. بهبود عملکرد نهاد مذکور می‌تواند بستری از ارکان تحقق دموکراسی الکترونیکی را فراهم آورد. نقشی که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در ارتباط با دموکراسی الکترونیکی ایفا می‌کنند، با توجه

به شکل سنتی دموکراسی متفاوت است؛ بنابراین، در راستای تحقق دموکراسی الکترونیکی، نهاد پارلمان بایستی مجهز به ابزارهای نوین الکترونیکی گردد تا بتواند دموکراسی الکترونیکی را در جامعه محقق سازد. یکی از دلایل گرایش جوامع به دموکراسی غیرمستقیم، عدم امکان عملی اجتماع مردم به منظور بیان نظرات خویش و نیز مشارکت در قانون‌گذاری بوده است. از این رو، دموکراسی الکترونیکی می‌تواند منجر به تحقق دموکراسی مستقیم در فرایندهای سیاسی گردد. در این نوشتار با بررسی مفهوم پارلمان الکترونیکی، نقش آن در تحقق مشارکت الکترونیکی شهروندان به‌عنوان رکن اساسی دموکراسی، مورد بررسی قرار گرفته است. هدف اصلی این پژوهش، معرفی ابزارهای نوین الکترونیکی پارلمانی به منظور تحقق دموکراسی دیجیتال در جامعه است.

۲) حق بر شهر ایمن از منظر حقوق بشر و حقوق ایران

نام نویسنده: ساناز کامیازراد - غلامرضا کامیار - صفرعلی کامیازراد

نام مجله: پژوهشهای حقوقی

دوره - شماره: دوره ۲۱، شماره ۵۱، آذر ۱۴۰۱، صفحه ۱۷۷-۲۰۲

گوینده: تینا قضاتی

چکیده: حق بر شهر، از جمله حقوق بشری است که یکی از اهداف آن تضمین ایمنی ساکنان شهر است. این حق که در میان حقوق نسل سوم حقوق بشر جای دارد، تحت عنوان «حق بر شهر ایمن» شناخته شده است. شهر ایمن بستر سکونت‌گاه‌های ایمن، وسایل حمل‌ونقل مطمئن و محیط‌زیست عاری از آلودگی، همراه با حفظ حیات ساکنان است. شهروندان در چنین شهری بی‌اثر و منفعل نیستند. آنان در فرایند انتخاب مدیران شهری و اجرای تصمیماتی که به نام شهر گرفته می‌شود، اثرگذارند. حق بر شهر ایمن به بیان استحقاق ساکنان شهر در بهره‌مندی از ایمنی در مقابل حوادث طبیعی و انسانی می‌پردازد. شناسایی این حق، پیامدهای مثبتی به همراه خواهد داشت. از جمله، حمایت از شهر به‌عنوان یک موجود زنده و پویا؛ تدوین منشور هر شهر به‌صورت جداگانه با توجه به اقتضات محلی برای دستیابی به توسعه پایدار و رفع مشکلات شهری.

۳) ارزیابی سیاست‌های جمعیتی در سنجه اصول جرم‌انگاری؛ با تأکید بر قانون حمایت

از خانواده و جوانی جمعیت

نام نویسنده: مهرانگیز روستائی - محمدباقر مقدسی

نام مجله: پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

دوره - شماره: دوره ۱۰، شماره ۲۰، اسفند ۱۴۰۱، صفحه ۱۵۰ - ۱۷۰

گوینده: مهدیه وجدانی فخر

چکیده: مداخله اخیر در آزادی‌های فردی به موجب «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» از منظر اصول فراتقنینی حاکم بر قدرت کیفری با دو بایسته مشروع و موجه بودن قابل ارزیابی است. پژوهش پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی به منظور ارزیابی مداخلات قهری در حوزه جمعیت، با هدف بررسی انطباق آن با محدودیت‌های اخلاقی در استفاده از کیفر صورت گرفته است. با واکاوی موضوع از منظر مهم‌ترین اصول جرم‌انگاری، یعنی سه‌گانه «ممنوعیت ایراد ضرر به دیگری»، «حمایت از خیر فردی» و «تضمین اخلاق با ابزار کیفر» این نتیجه حاصل می‌شود که ماهیت این مداخلات با آن‌چه پیش‌تر در این حوزه صورت می‌گرفت، تفاوت مهمی دارد؛ به این معنا که قانون‌گذاری در این حوزه با چالش‌های بیش‌تری مواجه است و ضرورت توجیه این مداخلات را پررنگ‌تر از قبل پیش می‌کشد. در سیر جدید مداخلات، این فرزندنیآوری است که موضوع مداخله قرار می‌گیرد: «ممنوعیت عقیم‌سازی»، «ممنوعیت بستن لوله‌های فالوپ»، «دشواری کردن دسترسی به وسایل پیشگیری از بارداری» و «محدود کردن غربالگری» به‌عنوان تدابیر جدید افزایش جمعیت، باید از صافی‌های جرم‌انگاری عبور داده شوند. در صافی نخست یعنی اصل ضرر، مداخلات صورت‌گرفته به تمامی از این اصل رویگردان‌اند؛ حتی خوانش‌های محافظه‌کارانه از ضرر هم قادر به توجیه مداخلات جدید نیستند. توسل به اخلاق‌گرایی کیفری به‌عنوان دومین صافی، در موضوعی ذاتاً اخلاقی خنثی نخواهد توانست این مداخلات را توجیه کند و در نهایت در عبور از صافی پدرسالاری کیفری، مداخلات صورت‌گرفته با تعارضی آشکارا درونی مواجه است؛ به گونه‌ای که خیر فردی به‌عنوان توجیه‌گر مداخله در این فیلتر، قابلیت توجیه همگون مداخلات جدید را پیدا نخواهد کرد.

۴) تأثیر نظریه عدالت جهانی بر مفهوم قانون

نام نویسنده: محمد راسخ، شیرین برومند

نام مجله: نشریه مطالعات حقوقی

دوره - شماره: دوره ۱۲، شماره ۲، تیر ۱۳۹۹، صفحه ۱۰۱-۱۲۹

گوینده: ایمان شاه بیگی

چکیده: گفتمان عدالت جهانی چالش‌های نظری مهمی را در باب دولت، قانون و مفاهیم مربوط پیش روی قرار داده است. تأثیر این نظریه بر مفاهیمی که غالباً در سطح ملی بحث می‌شده‌اند، بخشی مهم از این چالش‌های نظری است. قانون که تاکنون بنا به الگوی غالب به مثابه مفهومی دولت‌ساخت درک شده است، اکنون به سبب ارتباط با نظریه عدالت جهانی نیازمند الگوی مفهومی جدید است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا نظریه عدالت جهانی می‌تواند درک ما از قانون را در سطوح ملی و جهانی دگرگون کند؟ برای پاسخ به این پرسش، پس از شرحی کوتاه از مسئله عدالت جهانی و ارائه تصویری اجمالی از قانون، تأثیر رویکردهای یکپارچه و غیریکپارچه عدالت جهانی را بر این تصویر اجمالی بررسی خواهیم کرد. نظریه‌های غیریکپارچه برای نیل به مطلوب کافی به نظر نمی‌رسند، حال آن‌که نظریه‌های یکپارچه در ساختار کنونی قدرت در جهان غیرقابل تحقق می‌نمایند؛ بنابراین، با توجه به هویت‌ها و روابط متکثر انسانی در سطح جهانی، زمینه‌های ربطی و غیرربطی عدالت و نابسندگی اتکا به اخلاق بین‌الملل، تنها می‌توان به دیدگاهی میانه و حداقلی در باب عدالت جهانی دست یافت. در پرتو چنین دیدگاهی، قانون باید در کشاکش دو قطب قطعیت و پاسخ‌گویی تعریف شود. صلاحیت محدود اما ناگزیر دولت در عصر کنونی و نیز طیف متعادل رویکرد یکپارچه به عدالت، به ترتیب، تجلی دو قطب یادشده‌اند.

۵- بازنگری آرای داوری بین‌المللی در عرصه حقوق سرمایه‌گذاری خارجی

نام نویسنده: طناز کوه‌پائی - محسن محبی - سعید منصوری

نام مجله: پژوهش‌های حقوقی

دوره - شماره: دوره ۲۱، شماره ۵۱، آذر ۱۴۰۱، صفحه ۱۱۵-۱۴۰

گوینده: زهرا شببانی

چکیده: در نظام حقوقی بین‌المللی، برای حل و فصل اختلاف میان تابعان آن سازکارهایی تعبیه شده است که ضمن فراهم نمودن زمینه حاکمیت قانون، نظم و امنیت را در جامعه بین‌المللی حفظ نماید. از جمله، این سازکارها داوری است. در داوری‌های سرمایه‌گذاری خارجی همواره، یک طرف دعوا یک مؤسسه یا شرکت دولتی است و حقوق و منافع عموم مردم نیز در آن‌ها مطرح است و ممکن است طرف دولتی یا خصوصی نسبت به آرای داوری و روند رسیدگی یا مضمون آرا اعتراض کند و درخواست رسیدگی مجدد مطرح شود، اما چنانچه می‌دانیم داوری، یک مرحله‌ای است و مرجع تجدیدنظر در آرای داوری وجود ندارد، اما گاه بنا به اوضاع و احوال استثنایی ممکن است بازنگری در رأی داوری ضرورت یابد. از طرفی، نباید امکان اصلاح اشتباهات نگارشی یا محاسباتی یا سهواً القلم یا رأی تکمیلی و تفسیری را با بازنگری خلط کرد؛ زیرا اصلاح رأی یا صدور رأی تکمیلی و تفسیری در واقع ادامه روند داوری اولیه است، در صورتی که منظور از بازنگری، رسیدگی مجدد به همان موضوع، در همان مرجع داوری می‌باشد. بازنگری در رأی داوری یکی از بحث‌برانگیزترین مباحث داوری بین‌المللی در عرصه سرمایه‌گذاری بوده است. بازنگری در رأی داوری همواره استثنا است و اصل بر قطعی و لازم‌الاجرا بودن رأی داوری است. گاه ممکن است رأی صادره از چنان آسیب‌ها و ایراداتی برخوردار باشد که اجرای آن، قابل توجیه نباشد و محتاج بازبینی شود. پیداست که تجویز اجرای چنین آرای به منزله مشارکت در بی‌عدالتی یا تخلف از قانون محسوب می‌گردد. برای تضمین صحت رأی داوری و استحکام آن، خصوصاً اجرای عدالت، تأسیس سازکار بازنگری در آرای داوری قابل پیش‌بینی است.

۶- ارزش شهرت: گفتاری در روش‌های جبران خسارت ناشی از بهره‌برداری تجاری از

شهرت دیگری

نام نویسنده: علی نظری - عباس میرشکاری

نام مجله: پژوهش‌های حقوقی

دوره - شماره: دوره ۲۱، شماره ۴۹، خرداد ۱۴۰۱، صفحه ۱۷۱-۱۹۹

گوینده: زهرا شیبانی

چکیده: سلول‌های بنیادی به‌عنوان یک رویکرد جدید درمانی، نمایان شده و انتظار

می‌رود در آینده نزدیک سلول‌درمانی یکی از بزرگ‌ترین بازارهای دنیا را به خود اختصاص دهد. در فرضی که بدون اجازه شخص مشهور از شهرت او در آگهی‌های تجاری استفاده شود، طبیعتاً ورود خسارت‌های مختلفی به او قابل تصور است، از جمله این که اعتبار و حیثیت او آسیب می‌بیند، دچار تألم روحی می‌شود و از فرصت او برای حضور در آگهی‌های دیگر کاسته می‌شود. به علاوه، دیگری توانسته بدون آن که مابه‌ازایی پرداخت کند، از شهرت او استفاده کرده و دارا بشود. در این حالت، مطالعه روش‌های جبران خسارت شخص مشهور از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و نشان‌دهنده ارزشی است که نظام حقوقی برای شهرت اشخاص قائل است. براین اساس، در مقاله پیش‌رو تلاش می‌شود تا با توجه به نوع زیان وارده، روش‌های جبران خسارت شخص مشهور در نظام‌های حقوقی مختلف بررسی شود. در این مسیر، جبران زیان معنوی با استفاده از دوروش مالی و غیرمالی، جبران فرصت‌های از دست‌رفته شخص در فرض قابلیت نوعی تحقق آن‌ها و نیز الزام استفاده‌کننده به پرداخت مابه‌ازا، براساس سود وی و با متناسب با اجرت متعارف شخص، از جمله یافته‌های این مقاله است.

۷- تیغ و ابریشم: تحلیل مبانی نظری ممیزی آثار سینمایی

نام نویسنده: وحید آگاه

نام مجله: پژوهش‌های حقوقی

دوره - شماره: دوره ۱۹ - شماره ۴۱ - خرداد ۱۳۹۹ - صفحه ۱۷۳ - ۲۰۰

گوینده: مهدیه وجدانی فخر

چکیده: در سپهر حقوق بشر، حق بر آزادی بیان، مهم‌ترین حق آزادی‌ها و بیان هنری از اقسام آن و بیان سینمایی، محور اصلی آن به شمار می‌رود. آثار سینمایی، سوای فرمی حاوی ذوق و دارای کارکرد ارتقا و ارضای نیازهای معنوی انسان، رسانه‌ای متفاوت و حاوی ایده، پیام و فرم اندیشه خالق آن هستند و در این میان، سانسور یا ممیزی، فرایندی برای اختلال در ارسال تفکر فیلم‌ساز است. ممیزی مفهومی لغزنده و دارای تاب تفسیر بالاست که مبانی نظری آن در مقاله حاضر، با نگاهی به نوع ایرانی‌اش، طی پنج محور جایگاه، دلایل، کارآمدی، اقسام و آثار تحلیل شده و نتیجه، حکایت از این دارد که: ۱- حق بر آزادی بیان سینمایی، اصل و ممیزی،

استثناست و تعدّد مصادیق یا تفسیر موسّع آن، ممنوع؛ ۲- حکومت صلاحیتی در خصوص ممیزی ندارد، این مهم برعهده جامعه مدنی است و اتفاقاً حکومت باید از سینماگران و فیلم‌ها در مقابل ممیزی جامعه حفاظت کند؛ ۳- با عنایت به ظهور فناوری‌های نوین و ابزارهای ارتباطی آن، ممیزی حتی اگر مطلوب هم باشد، ممکن نیست؛ ۴- ممیزی حکومتی اعم از قانونی و غیرقانونی آن نهایتاً تحدید حق‌های هنری، تضعیف صراحت و افزایش تمثیل و استعاره زبان فیلم‌ها و خودسانسوری سینماگران را در پی دارد.

۸- چالش‌های تحقیقات جنایی در پرونده‌های مرگ در زندان

نام نویسنده: مهدی غلامپور، محمد فرجیها

نام مجله: فصلنامه پژوهش حقوق کیفری

دوره - شماره: دوره ۱۰ - شماره ۳۶ - مهر ۱۴۰۰ - صفحه ۱۴۳-۱۷۴

گوینده: لیلا بلالی

چکیده: مقاله پیش‌رو تلاش می‌کند به بررسی برخی از مسائل پیردازد که تحقیقات جنایی در پرونده‌های مرگ در زندان را با چالش روبه‌رو می‌سازند. در حالی که شاکیان این پرونده‌ها انتظار به رسمیت شناخته‌شدن شکایت خود از سوی نظام عدالت کیفری را دارند، وجود برخی از چالش‌ها موجب به حاشیه راندن و در نهایت، عدم دسترسی آن‌ها به عدالت در این پرونده‌ها می‌شود. مقاله حاضر علاوه بر استفاده از ادبیات تحقیق حاصل از مطالعات تجربی پیرامون مسئله مرگ در زندان، با تحلیل محتوای اخبار و گزارش‌های رسمی در کنار تحلیل گفتمان مقامات رسمی، پیرامون ۱۲ مورد از پرونده‌های مرگ در بازداشتگاه / زندان‌های ایران، چالش‌های تحقیقات جنایی پیش روی شاکیان پرونده‌های مرگ در زندان را مورد تحلیل قرار می‌دهد. تحلیل داده‌های ۱۲ مورد از پرونده‌های مرگ در زندان‌های ایران نشان می‌دهد که وارونه جلوه دادن حقایق پیرامون اوضاع و احوال منجر به مرگ و در هاله‌ای از ابهام قراردادن موضوع، امکان کشف علت واقعی مرگ و تعیین مسئول آن را دشوار می‌سازد. علاوه بر این، بدنام کردن زندانی متوفی و لکه‌دار کردن حیثیت او و خانواده‌اش، توجهات را از تخلفات یا جرایم احتمالی مسئولان بازداشتگاه و زندان به سوی تقصیر خود متوفی و سزاوار نشان دادن مرگ او منحرف می‌سازد. به همین

ترتیب، فقدان آزادی رسانه‌های جمعی در بازتاب اخبار و اطلاعات پیرامون این پرونده‌ها به‌طور کلی و سوگیری‌های رسانه‌های وابسته به نظام سیاسی که اغلب بیانگر دیدگاه‌های محتاطانه مقامات عدالت کیفری هستند، امکان شفافیت را در این پرونده‌ها کاهش می‌دهند.

۹- دسترسی به عدالت و حاکمیت قانون (of Rule the and Justice to Access)

(Law)

نام نویسنده: دکتر ویلیام لوسی Lucy William

نام مجله: ژورنال مطالعات حقوقی دانشگاه آکسفورد Legal of Journal Oxford Studies

دوره - شماره: ۴۰ Volume, ۲ Issue, Summer, ۲۰۲۰, ۳۷۷-۴۰۲/دوره

۴۰، شماره ۲، تابستان ۲۰۲۰

مترجم و گوینده: ایمان شاه بیگی

چکیده: نویسنده در این مقاله به این مسئله می‌پردازد که آیا دسترسی به عدالت یکی از ویژگی‌های ذاتی حاکمیت قانون است یا خیر. نویسنده معتقد است که بین او دو مفهوم لزوماً پیوند ذاتی برقرار نیست. در ادبیات مربوط به حوزه دسترسی به عدالت، این اعتقاد وجود دارد که اگر مردم برای احقاق حقوق خود نتوانند از قانون کمک بگیرند، مشارکت آن‌ها در جامعه کاهش پیدا می‌کند و حاکمیت قانون از بین می‌رود. امری که توسط نویسندگان به چالش کشیده می‌شود.

۱۰- رویکردهای قضائی به تشخیص مصلحت در ازدواج کودکان

نام نویسندگان: هاجر آذری - منیره میراحمدی

نام مجله: فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه

دوره - شماره: سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۹۸

گوینده: لیلا بلالی

چکیده: این پژوهش با هدف تحلیل و بررسی تفاسیر قضات از «مصلحت» در ازدواج کودکان و چگونگی احراز آن توسط قضات صورت گرفته است. بدین ترتیب در راستای اجرای ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، معیارها و شاخص‌های تشخیص مصلحت در محاکم، بررسی و تحلیل و سپس، جنبه حمایتی این ماده در راستای حمایت از کودکان مورد

ارزیابی قرار گرفته است. بدین‌منظور با به‌کارگیری روش کیفی، بررسی میدانی، مصاحبه عمیق با قضات و مطالعه رویه قضائی موجود، پرونده‌های قضائی (در مجموع ۵۰ پرونده) مرتبط با ازدواج کودکان زیر سن قانونی مورد بررسی قرار گرفت و پس از گردآوری داده‌ها با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، رویه قضایی موجود در خصوص نحوه احراز مصلحت و مصادیق عینی مصلحت در نگاه و آراء قضات مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که به دلیل ابهام موجود در متن قانونی، قضات در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به ازدواج کودک طبق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، غالباً بدون توجه به مصلحت شخصی طفل و با توجه بیش از اندازه به مصلحت نوعی، به صرف تحقق دو معیار رضایت پدر و (گاهاً) بلوغ جسمی کودک، ازدواج را به مصلحت کودک دانسته و رأی اذن ازدواج را صادر نموده‌اند. عدم به‌کارگیری قضات مشاور زن در پرونده‌هایی از این نوع، امکان تشخیص واقعی مصلحت کودک دختر را از ازدواج به حداقل می‌رساند. در واقع، به دلیل تعارض میان قوانین عرفی و مذهبی با قوانین رسمی در خصوص سن قانونی ازدواج، ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی نه‌تنها تأثیر قابل توجهی در کاهش ازدواج کودکان و حمایت از آنان نداشته است، بلکه به دلیل ابهامات موجود در متن ماده، عدم تعیین گزاره‌ها و معیارهای مشخص و عینی در جهت احراز مصلحت توسط قضات محاکم و ابهام در مفهوم و قلمرو ولایت یا اذن، موجبات تشتت، عدم انسجام و سردرگمی در آراء قضایی در خصوص این ماده را فراهم ساخته و به نوعی امکان قانونی ازدواج کودکان را فراهم و تسهیل نموده است. بدین ترتیب در پایان این پژوهش اصلاح دیدگاه قانون‌گذار و به تبع آن، اصلاح ماده قانونی ۱۰۴۱ قانون مدنی پیشنهاد می‌شود.

ث) معرفی کتاب‌های حقوقی

بر اساس آمار رسمی خانه کتاب در ایران هر ساله حدود ۱۰۰ هزار عنوان کتاب چاپ می‌شود که حدود دو سوم این تعداد عناوین جدید هستند. نرخ دقیقی از عناوین منحصراً به فرد کتاب‌های علمی مرتبط با رشته حقوق در گرایش‌های مختلف قابل تخمین نیست اما بی‌تردید انبوهی از کتب حقوقی هر سال منتشر می‌شوند که معمولاً تنها بخش کوچکی از آن‌ها فرصتی برای معرفی مناسب پیدا می‌کنند. بر

همین اساس یکی از بخش‌های باشگاه اندیشه‌های حقوقی ایجاد فرصتی برای معرفی کتاب‌های حقوقی ممتازی است که چه در بعد نظری و چه از نظر کاربردی ایده‌های بدیع، اصیل و قابل توجهی را برای جامعه حقوقی و سیاست‌گذاران تقنینی، قضایی و اجرایی ایران ارمغان آورده‌اند.

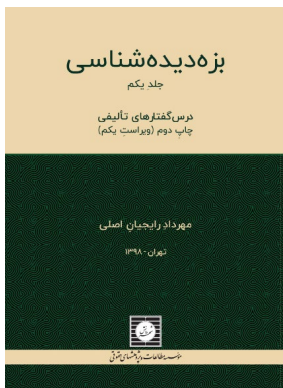
در این بخش از فعالیت‌های باشگاه اندیشه‌های حقوقی از مؤلفین کتاب‌ها دعوت می‌شود تا مطابق با شیوه‌نامه دبیرخانه باشگاه و با حضور در استودیوی رسانه آن به معرفی تصویری و ویدیویی اثر خود در قالب یک کلیپ کوتاه پرداخته و مهم‌ترین دستاوردها، یافته‌ها و نکات اثر خود را به نحوی معرفی کنند تا مخاطبین احتمالی به تهیه اثر ترغیب شده و از محتوای آن بهره ببرند. در این بخش سعی می‌شود به تنوع و گستردگی موضوعات مرتبط با کتاب‌های حقوقی در گرایش‌های مختلف توجه شده، به نحوی که همه جامعه حقوقی بتوانند بسته به علاقه و تخصص خود آثار ممتازی را در این بخش برای بررسی پیدا کنند.



۱- کتاب آشنایی با قراردادهای نفتی
مؤلف: دکتر عباس کاظمی نجف‌آبادی



۲- بزه‌دیده‌شناسی
(جلد دوم) درس گفتارهای ترجمانی
مؤلف: دکتر مهرداد رایجیان اصلی

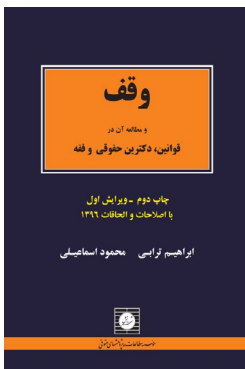


۳- بزه‌دیده‌شناسی
(جلد یکم) درس گفتارهای تألیفی
مؤلف: دکتر مهرداد رایجیان اصلی



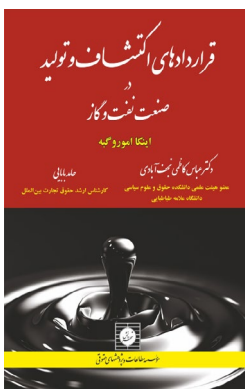
۴- بزه‌دیدة شناسی جرم حکومتی

مؤلفین: داوود ال. روٹ، دیوید کازلاریچ
مترجم: دکتر نسی‌الله غلامی



۵- وقف و مطالعه آن در قوانین، دکترین حقوقی و فقه

مؤلفین: جناب آقای ابراهیم ترایمی
جناب آقای محمود اسماعیلی



۶- کتاب قرارداد اکتشاف و تولید در صنعت نفت و گاز

مؤلف: اینکا اموروگبه.
مترجمان: دکتر عباس کاظمی نجف‌آبادی، حامد بابایی



۷- حقوق فضای مجازی

مؤلف: دکتر مصطفی السان



۸- قراردادهای نفتی بین‌المللی

مؤلف: زیگو جانو

مترجم: دکتر عباس کاظمی نجف‌آبادی



۹- حقوق املاک واقع در طرح‌های شهرداری

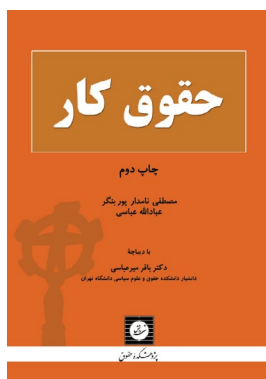
مؤلفین: جناب آقای شهرام بهرامی

جناب آقای پیام شعبانی



۱۰- جبران خسارت در حقوق بین‌المللی سرمایه‌گذاری

مؤلفین: دکتر توکل حبیب‌زاده، جناب آقای جواد نیک‌جاه



۱۱- حقوق کار

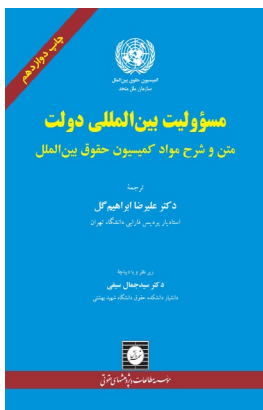
مؤلفین: جناب آقای مصطفی نامدار پوربنگر،
جناب آقای عبدالله عباسی



۱۲- مرزهای برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در

منظومه حقوق بین‌الملل

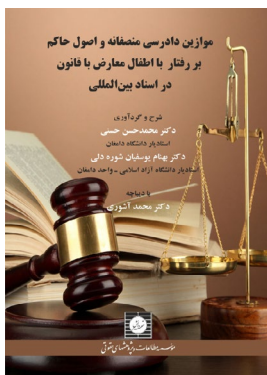
مؤلف: دکتر سید حسین عرب‌نجفی



۱۳- مسؤولیت بین المللی دولت: متن و شرح

مواد کمیسیون حقوق بین المللی

مترجم: دکتر علیرضا ابراهیم گل



۱۴- موازنین دادرسی منصفانه و اصوا حاکم بر

رفتار با اطفال معارض با قانون در اسناد بین المللی

شرح و گردآوری: دکتر محمد حسن حسینی

دکتر بهنام یوسفیان شوره دلی



۱۵- حقوق تعهدات پرداخت بانک

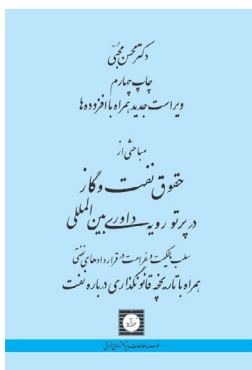
مؤلف: دکتر ماشاءاله بناء نیاسری



۱۶- تضمین حق تأمین اجتماعی

در نظام حقوق بین الملل

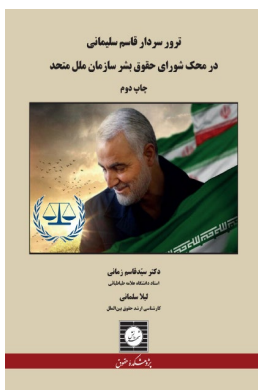
مؤلف: دکتر علی آزاد دوین



۱۷- مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو

رویه داورى بین المللى

مؤلف: دکتر محسن محبی



۱۸- ترور سردار قاسم سلیمانی در محک شورای

حقوق بشر سازمان ملل متحد

مؤلف: دکتر سید قاسم زمانی



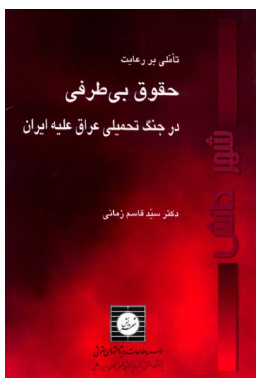
۱۹- اماره مدیونیت یا اصل عدم مدیونیت؟

مؤلف: دکتر سیدعباس موسوی



۲۰- حقوق بین الملل اقتصادی

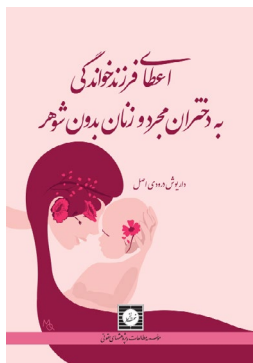
مؤلف: دکتر سید قاسم زمانی



۲۱- تأملی بر رعایت حقوق بی طرفی در جنگ

تحمیلی عراق علیه ایران

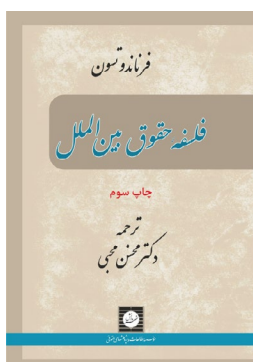
مؤلف: دکتر سید قاسم زمانی



۲۲- اعطای فرزندخواندگی به دختران

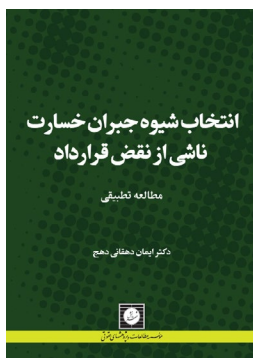
مجرد و زنان بدون شوهر

مؤلف: دکتر داریوش دورودی اصل



۲۳- فلسفه حقوق بین الملل

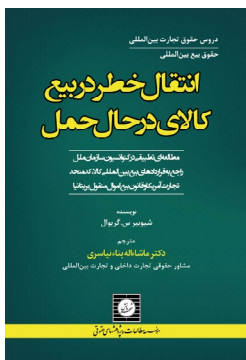
ترجمه: دکتر محسن محبی



۲۴- انتخاب شیوه جبران خسارت

ناشی از نقض قرارداد

مؤلف: دکتر ایمان دهقانی



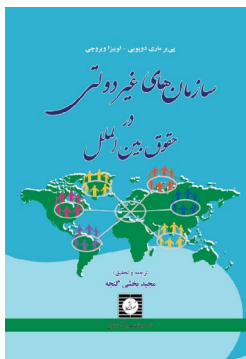
۲۵- انتقال خطر در بیع کالای در حال حمل

مؤلف: شیویر س. گریوال
مترجم: دکتر ماشاءاله بناء نیاسری



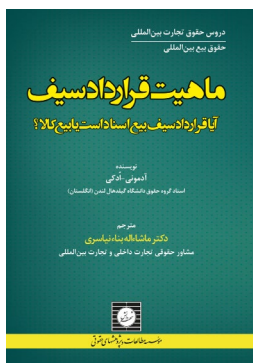
۲۶- دو رساله در اصول محاکمات

مؤلف: محمد جائری مازندارانی
به کوشش: محمدعلی جهانی‌پور



۲۷- سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین‌الملل

مؤلف: بی بی ماری دوپویی، لوییزا و بروچی
مترجم: جناب آقای مجید بخشی گنجه



۲۸- ماهیت قرارداد سیف

مؤلف: آدمونی، ادکی

مترجم: دکتر ماشاءاله بناءنیاسری



۲۹- جرایم جهانی شدن

مؤلف: داون ال. روث، دیوید او. فردریکس

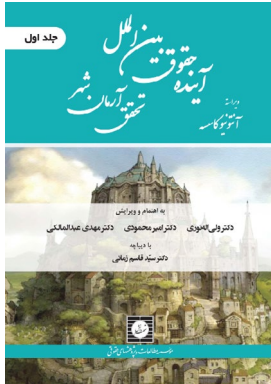
مترجم: دکتر نبی‌اله غلامی

جناب آقای علی غلامی



۳۰- آیین پیش‌دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی

مؤلف: دکتر محمدهادی ذاکر حسین

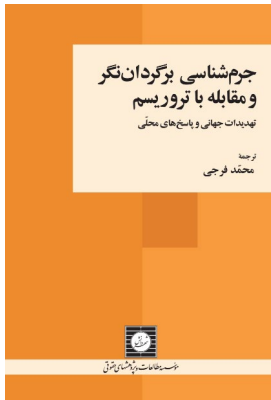


۳۱- آینده حقوق بین الملل : تحقق آرمان شهر

به اهتمام و ویرایش: دکتر ولی‌اله نوری

دکتر امیر محمودی

دکتر مهدی عبدالمالکی



۳۲- جرم برگردان نگر و مقابله با تروریسم

مؤلف: اریکسون، الکسیس آر .

کندی، لزلی دابلیو.

کندی، یاسمین ایروین

اقدامات تحریمی آمریکا به هیچ وجه حقوقی و قانونی نیست. مجمع عمومی ملل متحد قطعنامه‌های متعددی درباره unilateral coercive measures یا اقدامات یکجانبه قهرآمیز دارد و این اقدامات را محکوم می‌کند و غیرقانونی می‌داند. من همیشه برای اشاره به تحریم‌ها از اصطلاح تروریسم اقتصادی استفاده می‌کردم. تعریف تروریسم چیه؟ تعریف تروریسم اعمال فشار بر شهروندان به منظور تغییر سیاست دولت، برای رسیدن به اهداف سیاسی است. حالا شما این فشار را ممکن است با بمب‌گذاری انجام بدید، یا با کشتن مریض پروانه‌ای یا با کشتن مریض تنفسی، یا با مانع شدن از رسیدن داروی کرونا به ایران، یا با مانع شدن از اینکه شما بتوانی برای رسیدن واکسن کرونا پولی به کسی پرداخت کنی. این تحریم‌ها یک اقدام قانونمدار نیست. یک اقدام غیرقانونی و مبتنی بر زورمداری است.

محمد جواد ظریف

در گفتگوی تحلیلی با باشگاه اندیشه‌های حقوقی

برای تماشای گفتگوی کامل به وبگاه باشگاه اندیشه‌های حقوقی

(sdil.ac.ir/club) مراجعه کنید.